راهنمای حفظ قرآن کریم

(بهترین روش حفظ قرآن)

راهنمای حفظ قرآن کریم

(بهترین روش حفظ قرآن)

مؤلف:
نصیر احمد یوسفی

یوسفی، نصیر احمد، ۱۳۵۵ -
راهنمای حفظ قرآن کریم (بهترین روش حفظ قرآن) / مؤلف نصیراحمد یوسفی. -- تهران: احسان، ۱۳۸۶.
۱۱۲ ص.
ISBN: 964-356-551-3
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
چاپ قبلی: تایباد: سنت، ۱۳۸۱.
۱. قرآن -- حفظ -- راهنمای آموزشی.
۲ر۹ی /۸۰/BP ۸ ۲۹۷/۱۵۱۰۷۶
کتابخانه ملی ایران ۲۸۳۹۵-۸۵م

راهنمای حفظ قرآن کریم

✦مؤلف: نصیر احمد یوسفی
✦ناشر: نشر احسان
✦تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
✦نوبت چاپ: اول ـ ۱۳۸۶ (توسط این ناشر)
✦چاپ: چاپخانه مهارت
✦قیمت: ۸۵۰ تومان

➢فروشگاه شمارهٔ ۱: تهران ـ خیابان انقلاب ـ روبروی دانشگاه ـ مجتمع فروزنده ـ شمارهٔ ۴۰۶ ـ تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴
➢فروشگاه شمارهٔ ۲: تهران ـ خیابان ناصر خسرو ـ کوچه حاج نایب ـ شمارهٔ ۳۳ ـ تلفن: ۳۳۹۰۲۷۵۰
صندوق پستی: تهران ۳۸۵ ـ ۱۱۴۹۵

ISBN: 964-356-551-3
شابک: ۹۶۴-۳۵۶-۵۵۱-۳

نشر احسان

فهرست مطالب

تقریظ شیخ محمد صالح پردل ۷
مناجات ۹
مقدمه ۱۳
فصل اول: اشاره‌ای کوتاه به تاریخ حفظ قرآن . ۱۷
ـ حفظ قرآن در سینه‌ها.............. ۱۹
ـ ثبت آیه‌های قرآن در اوراق و برگها ۲۲
قرآن بخوان (شعر) ۲۵
فصل دوم: فضایل حفظ قرآن ۲۷
فصل سوم: ضرورت و اهمیت حفظ قرآن ۳۳
فصل چهارم: هدف از حفظ قرآن ۳۹
حفظ قرآن (شعر) ۴۳
فصل پنجم: بهترین دوران حفظ قرآن ۴۵
فصل ششم: مقدمات حفظ قرآن........... ۴۷
الف ـ آمادگی‌های درونی ۴۷
۱ـ نیت............................. ۴۷
۲ـ علاقه............................ ۴۸
۳ـ اراده و پشتکار قوی................ ۴۹
ب: آمادگیهای عملی.................. ۵۰
۱ـ روخوانی و صحیح خواندن کلمات........ ۵۰
۲ـ فراگیری ترتیل ۵۱
درس قرآن (شعر).................... ۵۳
فصل هفتم: شرایط عمومی مؤثر در موفقیت حفظ قرآن ۵۵
۱ـ نوع قرآن انتخابی.................. ۵۵
۲ـ برنامه‌ریزی دقیق و منظم............. ۵۷
۳ـ تمرکز حواس ۵۸
۴ـ زمان مناسب...................... ۵۸
۵ـ مکان مناسب...................... ۵۹
۶ـ غذای مناسب ۶۰
۷ـ شروع حفظ ۶۰
۸ـ مستمع محفوظات ۶۰
۹ـ شرکت در کلاسهای حفظ............. ۶۱
۱۰ـ درک معانی و مفاهیم قرآن ۶۱
عطر قرآن (شعر)..................... ۶۳
فصل هشتم: روشهای مختلف حفظ قرآن ۶۵
وجود دو روش عمده برای حفظ ۶۶
فصل نهم: بهترین روش و برنامه‌ی پیشنهادی برای حفظ قرآن..................... ۶۹

الف ـ مرحله‌ی حفظ ۷۱
ب ـ مرحله‌ی سبقی ۷۳
ج ـ مرحله‌ی دوره ۷۴
فصل دهم: حفظ آیات مشابه........ ۷۷
بانگ قرآن (شعر) ۸۱
فصل یازدهم: نگهداری محفوظات ۸۳
فصل دوازدهم: روش تدریس حفظ قرآن ۸۹
فصل سیزدهم: فراید شرکت در کلاسهای حفظ ۹۳
فصل چهاردهم: تجوید قرآن........ ۹۵
۱ـ مخارج حروف ۹۶
۲ـ صفات حروف........ ۹۶
۳ـ احکام حروف ۹۶
وقف و ابتدا ۹۷
صوت و لحن ۹۷
برخی از آداب تلاوت قرآن (به روایت قرآن)... ۹۹
سخن قرآن (شعر)........ ۱۰۳
فصل پانزدهم: فضایل تلاوت قرآن در احادیث
(به‌نقل از ریاض‌الصالحین، امام نووی) ۱۰۵
فصل شانزدهم: فضیلت تلاوت سوره‌ها و آیاتی
خاص ۱۰۸
مناجات........ ۱۱۱

تقریظ شیخ محمد صالح پردل

در آغاز هزاره سوم میلادی، جهان بیش از هر زمان به خلاءِ معنوی خویش پی برده و نگران و هراسان در پی دستیابی به کیمیای رستگاریست یعنی همان معمائی که کلیدش جز در دستان سفیران آسمانی نیست. با توجه به این حقیقت که اکنون تعالیم آسمانی بار دیگر در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان، روشنفکران و جوانان عالم قرار گرفته و از نگاه کارشناسان، بازگشت به قرآن برای رستگاری مسلمانان، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، بر این اساس در جهت پیشبرد اهداف قرآنی و پیاده کردن احکامات قرآن به طور عملی، ابتدا باید زمینه‌ی انس و آشنایی اقشار مختلف جامعه با این معجزه‌ی جاوید پیامبر اسلامﷺ را فراهم آورد تا با قرائت صحیح و به خاطر سپردن آیه‌های آن به طور دقیق و جامع همراه با ترجمه و تفسیر و درک و فهم معانی قرآن در آن تدبر و تفکر نموده و در جهت دستیابی به سعادت ابدی و مدینه‌ی فاضله به دستوراتش به طور واقعی جامه‌ی عمل بپوشند.

یکی از راههای اشاعه‌ی فرهنگ قرآنی در جامعه، تدوین و تألیف کتابها و مقاله‌ها در این زمینه است. تا با بیان کردن فضایل، اهداف و

اهمیت حفظ قرآن جامعه را متوجه این مهم نمود که فراگیری حفظ و علوم قرآنی پایه و اساس همه‌ی علوم و رشته‌های علمی است، زیرا اکثر دانشمندان بزرگ اسلامی که در رشته‌های مختلف علمی سرآمد دیگران بوده اول از حفظ قرآن شروع کرده‌اند.

کتاب حاضر نیز که حاصل تجربیات چند سال تدریس برادرمان نصیر احمد یوسفی در زمینه‌ی حفظ قرآن است، مقاله‌ی مختصری است در جهت فعالیتهای قرآنی که امید است جوانان و نوجوانان ما از آن استفاده نموده و در جهت حفظ قرآن و عمل کردن به دستوراتش گام بیشتری بردارند.

محمدصالح پردل

مناجات

سپاس و ستایش پروردگار متعال را شایسته است که آدمی را خلق‌کرد و او را به نور قرآن بیاراست و حلیه‌ی کرامت و بزرگواری را سزای آدمیان ساخت و مهر و رحمت را طوری بگسترد که همه‌ی ذرات کائنات را فرا گرفت و علم و حکمت را به حدی پراکند که هر موجودی را در برگرفت. آفرینش را بر پایه‌ی رحمت استوار فرمود و مهربانی را از اندازه به در برد. مهر مادری که زبانزد است، در برابر رحمت او به هیچ نمی‌آید. ترازوی عدالت را در دو کفه‌ی شب و روز میزان کرد و از تعادل لیل و نهار، درس عبرتی برافراشت و جهانیان را آگاه ساخت که به شب دست رحمت گشوده‌ام تا بدکاران روز، دست توبه برافرازند و به روز دست مهر و شفقت را گسترده‌ام تا بدکاران شب دست انابت بالا برند.

آنان را که از همه‌ی درها نا امید شده‌اند، امیدوار ساخت که اگر از آن همه نا امید شدید، روی به من آورید که از همه مهربانترم. درماندگان را دریابم و فروماندگان را چاره سازم. اگر پدر و مادر، فرزند، برادر، دوست و رفیق همه از شما دوری کنند، من شما را خواهم پذیرفت.

آدمی هرچه آرزو کند، تنها با مدد آفریدگار توانا فراهم آید و کوشش و تلاش موقعی به ثمر رسد که معونت آفریدگار مهربان همراه آورد.

بارالها، به حرمت آن نام که تو خوانی و به حرمت آن صفت که تو چنانی، دریاب که می‌توانی.

الهی، عمر خود را به باد کردم و بر تن خود بیداد کردم، گفتی و فرمان نکردم، درماندم و درمان نکردم.

الهی، عاجز و سرگردانم، نه آنچه دارم دانم و نه آنچه دانم دارم.

الهی، اگر تو مرا خواستی، من آن خواستم که تو خواستی.

الهی، به بهشت و حور چه نازم، مرا دیده‌ای ده که از هر نظر بهشتی سازم.

الهی، در دلهای ما جز تخم محبت مکار و بر جان‌های ما جز الطاف و مرحمت خود منگار و بر کشت‌های ما جز باران رحمت خود مبار، به لطف ما را دست گیر و به کرم، پای دار.

الهی، حجاب‌ها را از راه بردار و ما را به ما مگذار.

بخشی از مناجات پیر عارفان

خواجه عبدالله انصاری

قال رسول الله ﷺ:

اِنَّ الَّذی لَیسَ فی جَوْفِهِ شَیءٌ مِنَ القُرآنِ کَالبَیْتِ الْخَرِبِ

آن کسی که در دلش چیزی از قرآن نیست،
همانند خانه‌ی ویرانه است.

سنن ابوداود و صحیح ترمذی

مقدمه

اَلْحَمدُ لِلّهِ الذی اختار مِن عِبادِهِ المُؤمنین أُناساً شرَّ فَهُم بِحَمْلِ کِتابِهِ، وَ اَوْجَبَ عَلَیْهِم تَجویدَهُ و امرهم بِتَدَبُّرِ آیاتِهِ وَ العَمَلِ بِمٰا فیه، وَ اجزلَ لَهُم العَطاءَ و الرضوانَ.

و الصلاةُ و السلام عَلی خَیْرِ خَلقِ الله نَبینا محمّد صلی الله علیه و سلم الذی تلق القرآن مِن رَّبِه و بَلَّغَهُ کَما اُنزِل عَلَیه وَ رَضی الله عن آله و اصحابه الذین حفظوا کتاب الله و حافظوا علیه و عملوا بأحکامه اولٰئِك حِزْبُ اللهِ أَلٰا إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ المُفْلِحُونَ.

حفظ قرآن یکی از توفیقات بزرگ الهی است که شامل هر کسی نمی‌شود. سعادت، لیاقت و وسعت افراد باعث می‌گردد که خداوند متعال به او این نعمت بزرگ را عطا فرماید و سعادتمندترین افراد کسانی هستند که پس از حفظ قرآن آن را از دست ندهند و درون خود را از گنجهای بیکران قرآن خالی ننمایند.

با قرآن زندگی زیبا می‌شود و جان می‌گیرد و آرامش واقعی به منصه‌ی ظهور می‌رسد و بدون قرآن چون جمادی است متحرک که نه

روح دارد و نه آرامش واقعی.

قرآن کتاب جاویدان است که همیشه با عقل و جان بشر، سر و کـار دارد؛ همیشه مرز مطلق حـقیقت است؛ هـمه چـیز را بـررسی مـی‌کند و درباره‌ی آن به طور نهایی حکم می‌دهد؛ مصالح فرد و اجتماع را در همه جا و همه‌گاه در خود، ذخیره دارد.

مواد لازم برای ساختن انسان کامل در قرآن مـوجود است. مـصالح ساختن کاخ انسانیت را در دوران پریشانی آدمی بـاید از قـرآن بـه دست آورد.

بشریت در قرآن ارزشمندترین شیوه‌ی اداره‌ی اجـتماع را مشـاهده کرده است. بهترین نقشه‌ی ایجاد یک تمدن جدید را که می‌تواند همه‌ی ملت‌ها و جوامع را از سنگینی بارِ گمراهیها، بیدادگریها و بـدبختیها رهـا کرده، به زندگی سرشار از نور علم و معرفت و صلح و صفا رهنمون شود.

قرآن برنامه‌ی فردی و اجتماعی عصر رسالت بود. عـقیده‌ی راسـخ مسلمانان به خدا و پیغمبر و قرآن، از مسلمانان ابرمردانی ساخته بود که تاریخ بشریت کمتر می‌توان نظیر آنان را نشان دهد.

در روز جنگ با «مسیلمه» کذاب، چون پرچم را به «سـالم» مـولای «ابی حذیفه» دادند، او به مسلمانان گفت: گمان می‌برم که با خود گفته‌اید سالم، صاحب قرآن است و مانند رفیق خود ثابت می‌ماند تا بمیرد. گفتند: چنین است، حال ببین تا چگونه خواهی بود. سالم گفت: به خـدا چـنین است، بد حاملی برای قرآن باشم اگر پایداری نکنم.

در همین واقعه بود که سالم فریاد زد: ای اهل قرآن، با قرآن کارهای خود را زینت دهید. آنگاه سخت حمله کرد تـا دشـمن را از جـای خـود بکند.

در عهد رسالت، صفوف از هم جدا نبودند؛ یک مسلمان، هم قاری قرآن بود، هم سرباز مسلح، هم مجاهد از جان گذشته، هم آشنا به فنون جنگ و چست و چالاک. در عصر حاضر هر چند آن اُنس دائمی را که مسلمانان در افکار و اعمالشان با قرآن داشتند از بین رفته است و التفات به زَرق و برق دنیا، سستی عقیده و مهجوریت قرآن را برای مسلمانان به همراه داشته است؛ اما به یاری پروردگار و به همت والای علمای مخلص و دلسوز که خود عاشق و دلباخته و حافظ و قاری قرآنند و روز و شب در تکاپویند و خواب و خوراک را بر خود حرام ساخته تا جامعه را با کتاب خدا آشتی دهند و خوبیهایی که بد شده است به مردم معرفی نمایند و بدیهایی را که معروف شده است منکر نمایند، جوانان مشتاق و علاقمند به حفظ قرآن در جامعه آن هم از طیف دانشجو و روشنفکر، زن و مرد، بزرگ و کوچک رو به فزونی‌اند تا آنجا که مراکز تحفیظ قرآن از پذیرش آنها عاجز مانده‌اند.

با توجه به این مهم، لازم بود برای پر کردن ذره‌ای از خلأهای موجود در جامعه در مورد حفظ قرآن، کتابی تدوین گردد. این کتاب که «راهنمای حفظ قرآن» نام دارد حاصل چند سال تجربه‌ی مؤلف در زمینه‌ی حفظ قرآن است که خود صریحاً بر بی علمی خود معترف بوده و هدفش تنها خدمت به کتاب خدا می‌باشد. امیدوار است که این کتاب در اختیار جوانان علاقمند قرار گرفته شود تا شاید در تشویق این عزیزان مؤثر بوده و در بهتر حفظ شدن و به سینه سپردن کلام وحی، نقشی گرچه اندک داشته باشد.

در خاتمه از استاد بزرگوارم شیخ محمد صالح پردل ـ مدرس حوزه‌ی علمیه اهل سنت بندر عباس ـ که حامی و مشوق اصلی بنده در تألیف این

کتاب بوده و در ترویج فرهنگ حفظ قرآن در جامعه صادقانه زحمت کشیده‌اند تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

امید است که این مختصر، مرضی درگاه باری تعالی، و مورد استفاده‌ی جوانان مسلمان و علاقه‌مندان به قرآن کریم، و مقبول طبع ارباب علم و دین قرار گیرد. ان شاء الله.

و صلی الله عَلَی سَیّدِنَا مُحَمَّدٍ، سَیّدِ الأوَّلِینَ و الآخرینَ، و آلِهِ الطّاهِرِینَ، و صَحَابَتِهِ المُکَرَّمینَ.

«سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ العِزَّة عَمّا یصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی المُرسَلِینَ، وَ الْحَمْدُلِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»

نصیر احمد یوسفی
۱۳۸۰/۱/۲۶ هـ. ش
۱۴۲۲/۱/۱۹ هـ. ق
بندرعباس (سورو قدیم)

۱

اشاره‌ای کوتاه به تاریخ حفظ قرآن

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنا الذِّكْرَ و إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾[۱]

«ما خود قرآن را فرو فرستاده و خود حافظ و نگهدار آنیم».

این آیه‌ی کریمه نشان از این مدعا دارد که پروردگار سبحان حفظ و نگهداری آیه‌های قرآن، چه در صدر اسلام و چه زمانهای بعدی را، تضمین کرده است و این در حالی است، که از کُتُب ادیان پیشین چنین ضمانتی به عمل نیامده است. بلکه قرآن کریم ما را از دستبرد این کتابها آشکارا مطلع گردانیده است:

﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِ﴾[۲]

«کلام خدا را (تورات) از معانی و مواضع خود تحریف نمودند و بخش مهم و بسیاری از آنچه به آنها تذکر داده شده بود ترک نموده و فراموش کردند».

بدون شک اگر قضای پروردگار بر محافظت از کتابهای ادیان پیشین می‌رفت، همان طوری که تا به حال بعد از چهارده قرن و اندی، احدی

۱ـ حجر / ۹.

۲ـ مائده / ۱۳.

توانایی تحریف و تعدی با معجزه‌ی ختم المرسلین را پیدا نکرده است آن کتب نیز ﴿حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾[1] از دستبرد و تحریف مخلصان شیطان مصون می‌ماندند.

در مورد سبب و علت این ویژگی قرآن و تفاوت آن با بقیه‌ی کُتب ادیان، محققین و علماء اشاره‌هایی گذرا و مختصر نموده‌اند که از آن جمله مرحوم شیخ محمد عبده در کتاب معتبر خود (رسالة التوحید) علت این امر را این گونه بیان نموده است: «در دوران پیامبران پیشین که سلام و درود خدا بر آنان باد جامعه‌ی بشری سیر صعودی را به سوی قله‌ی رشد و بلوغ می‌پیمود و هرچند قرنی در یک مرحله‌ای از ترقی نیازمند احکام و قوانین متناسب با آن مرحله بوده است که در مرحله‌ی بعدی به قوانین و احکام دیگری نیاز داشته است» بنابراین هیچ لزومی نداشت که آن احکام و قوانین، استحکام فوق‌العاده‌ای داشته باشند و در طول زمانها حفظ و حراست از آنها به عمل آید، اما در دوران پیامبری رسول خدا (محمد مصطفی)ﷺ که جامعه‌ی بشری به قله‌ی رشد و بلوغ رسیده بود، آن احکام و قوانین الهی که به وسیله‌ی او به مردم ابلاغ گردید، متناسب با کمال رشد و بلوغ جامعه‌ی انسانی مجموعه‌ای بود در نهایت استحکام و زیبایی و سازگار با تمام شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی و گویای همه‌ی حقایق و مبین تمام خواسته‌های افراد و جوامع انسانی، لذا خداوند متعال و سبب‌ساز، جهت حفظ و حراست کتاب جاودانه‌ی خویش دو وسیله را به کار انداخت که هر دو متمم و مکمل یکدیگر بوده‌اند.

۱ـ اعراف / ۴۰.

این دو وسیله عبارتند از:

اول: ضبط قرآن در حافظه‌ها

دوم: ثبت آیه‌های قرآن در اوراق و برگها، که در جای خود ثابت و بدون تغییر باقی می‌ماند.

حفظ قرآن در سینه‌ها

قرآن کریم به صورت دفعی و یک‌بار فرود نیامد، بلکه برحسب نیاز و در شرایط خاص و گوناگون تدریجاً[۱] نازل می‌شد. بنابراین امکان کتابت آن به صورت مجموعه‌ای واحد، وجود نداشت. لذا در آغاز اسلام جهت حفظ و نگهداری قرآن، فشار قابل ملاحظه‌ای بر حافظه وارد می‌آمد. در آغاز نزول وحی آن حضرت به تکرار الفاظ مبادرت می‌ورزیدند تا بتوانند آنها را کاملاً از بَر کنند.

سپس خداوند متعال با نزول چند آیه از سوره‌ی قیامت[۲] حضرتش را چنین راهنمایی کردند که شما برای حفظ، هنگام نزول وحی به تکرار سریع نیاز ندارید، زیرا پروردگار در وجود شما حافظه‌ای بسیار قوی قرار داده است که با یک بار تلاوت آیات آنها را فراموش نخواهی کرد و سرانجام نتیجه نیز چنین شد. یعنی، از یک طرف آیات قرآن بر آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و از طرف دیگر همچنان در حافظه‌ی بسیار قوی او، به قول عربها «اوّلُ الجماعِ وَ سید الحُفّاظِ»[۳] ثبت می‌شدند.

۱ـ برای اطلاع بیشتر از نزول تدریجی رجوع شود به کتاب اندیشه‌ی اعجاز قرآن و سیر تاریخی آن تألیف ارشد ارشاد.

۲ـ قیامت / ۷ – ۹.

۳ـ علوم القرآن، صبحی صالح، ص ۶۵۱.

این‌گونه بود که سینه‌ی ختمی مرتبت ﷺ به منزله‌ی گنجینه‌ای جهت حفظ قرآن در آمده که امکان کوچکترین اشتباه یا ترمیم و تغییری در آن وجود نداشت.

مضافاً برای احتیاط بیشتر در صحت حفظ مطالب، آن حضرت ﷺ هر سال در ماه مبارک رمضان قرآن را به سمع جبرئیل می‌رساندند. این عمل در سال وفات رسول الله ﷺ دوبار تکرار شد.[۱]

پیامبر اکرم ﷺ بعد از نزول هر وحی، آیات را به سمع صحابه می‌رساندند و نه تنها معانی قرآن را به صحابه می‌آموختند بلکه در به حافظه سپردن الفاظ قرآنی تأکید فراوان می‌نمودند. صحابه‌ی کرام نیز با تمام وجود برای حفظ آن اقدام نموده، در این زمینه از یکدیگر سبقت می‌جستند. به علت اهمیتی که در فراگرفتن قرآن احساس می‌شد، بعضی از زنان مسلمان در ازای تعلیم قرآن از همسران خود، از دریافت مهریه‌ی خویش صرف‌نظر می‌کردند، تا کابین زناشویی را جایگاه قرآن و آموزش و عمل به آن قرار دهند. اصحاب کرام نیز خود را از هرگونه اشتغال درباره‌ی مسائل دیگر رها ساخته، تمام هم و غم خود را صرف این کار می‌کردند؛ قرآن و آیات الهی را حفظ کرده و در نمازهای شب آن را تکرار می‌کردند.

از حضرت عباده بن صامت روایت شده است که هر وقت یکی از مسلمانان از مکه هجرت می‌کرد و وارد مدینه می‌شد رسول ﷺ وی را به یکی از انصار می‌سپرد، تا به او قرآن بیاموزد و هنگام تمرین آیه‌ها و زمزمه‌ی تعلیم و تعلم و تلاوت آیه‌ها، غوغائی طنین‌انداز می‌گردید که

۱ـ صحیح بخاری مع فتح الباری، ج ۹، ص ۳۶.

پیامبر ﷺ فرمان می‌داد صداهایتان را آهسته‌تر کنید مبادا موجب سهو و اشتباه دیگران شود.[۱]

ابوموسی اشعری می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود: من از نوای تلاوت همکاران اشعری که شبانگاه در منازل خود هستند، خانه‌های آنان را تشخیص می‌دهم هرچند آنها هنگامی که روزها به منازل خویش برگشته‌اند من خانه‌های آنها را ندیده بودم.[۲]

بنابراین در مدتی کوتاه، گروهی عظیم از صحابه‌ی کرام توفیق یافتند که همه‌ی قرآن را حفظ کنند. در بین گروه یاد شده علاوه بر خلفای راشدین می‌توان از طلحه، سعد، ابن مسعود، حذیفه بن یمان، سالم مولی ابی‌حذیفه، ابوهریره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، عمروبن عاص، معاویه، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن السائب، عایشه، حفصه، ام سلمه، و دیگران رضوان الله علیهم اجمعین نام برد.

لذا در نخستین روزهای اسلام تأکید فراوان به حفظ قرآن می‌شد و این تنها روش پسندیده و قابل اعتماد در اوضاع و احوال آن زمان به شمار می‌رفت، زیرا نه تنها افراد با سواد، کم، بلکه انگشت‌شمار بودند. همچنین وسائل چاپ و غیره جهت نوشتن و تکثیر کتاب نیز وجود نداشت.

حق‌تعالی جهت پیشبرد این امر (حفظ و نگهداری قرآن) اعراب را برگزید، زیرا به ایشان حافظه‌ی بسیار قوی عنایت فرموده بود که به برکت آن هر شخصی می‌توانست چندین هزار بیت حفظ کند. همچنین کم‌هوش‌ترین فرد روستایی آنان نه تنها نسب‌نامه‌ی قبیله‌ی خود را از

۱ـ مناهل العرفان، زرقانی، ج ۱، ص ۲۳۴.
۲ـ همان منبع، ص ۳۱۳.

بَرداشت بلکه سلسله‌ی اسبهای خود را نیز می‌دانست. بنابراین اعراب از همان نیروی فوق‌العاده‌ی حافظه‌ی خود همراه با انگیزه‌های اعتقادی و امید به ثواب اخروی، جهت تعلیم و تعلم و حفظ سوره‌های قرآن کریم بهره گرفتند به طوری که آن روزی که نزول قرآن بر پیامبر پایان یافت و موقعی که پیامبرﷺ رحلت فرمود و شمار یارانش به یکصد و بیست و چهار هزار نفر رسیده بود،[۱] هیچ فردی از آنها چنین نبود که تعداد زیادی از سوره‌های قرآن را حفظ نداشته باشد و دهها هزار نفر از آنها حافظ و قاری به شمار می‌آمده‌اند و به هیچ وجه بعید نمی‌نمود وقتی که می‌گفتند در حادثه‌ی بئرمعونه و جنگ یمامه یکصد و چهل حافظ و قاری قرآن و به روایتی در جنگ یمامه هفتصد حافظ و قاری قرآن به درجه‌ی شهادت نائل آمده‌اند.

مصطفی را وعده کرد الطاف حق — گر بمیری تو نمیرد این سبق
من کتاب و معجزت را حافظم — بیش و کم کن راز قرآن دافعم
تا قیامت باقیش داریم ما — تو مترس از نسخ دین، ای‌مصطفی

ثبت آیه‌های قرآن در اوراق و برگها

پیامبر اکرمﷺ علاوه بر حفظ قرآن، برای نوشتن و کتابت آن نیز اهمیت خاصی قائل بودند.

زیدبن ثابتﷺ می‌فرماید: «من کتابت وحی را به عهده داشتم، هنگام نزول وحی بر آن حضرتﷺ حالت خاصی به ایشان دست می‌داد و قطرات عرق همچون دانه‌های مروارید از چهره‌ی مطهرش

۱- برخی یکصد و چهارده هزار گفته‌اند و یکصد و چهار صحابه روایت حدیث کرده‌اند.

سرازیر می‌شد. پس از پایان این حالت، من با دست گرفتن استخوان کتف حیوانات یا قطعه‌ی چیزی دیگر به خدمت آن حضرت ﷺ شرفیاب شده، وحی نازل شده را می‌نوشتم. بر اثر سنگینی‌ای که در کلام خدا وجود دارد، پس از ثبت و یادداشت آیات چنان حالتی به من دست می‌داد که گویی استخوان ساقم در حال شکستن بوده و قادر به راه رفتن نمی‌باشم. به هر حال پس از کتابت، آیات نازل شده را به سمع مبارک رسول‌الله ﷺ می‌رساندم، تا اگر کم و کاستی وجود داشته باشد آن را اصلاح نمایم، سپس آن را به انظار عموم می‌رسانید».(۱)

علاوه بر زید بن ثابت، بسیاری از صحابه در امر مهم کتابت وحی سهیم بودند؛ از آن جمله می‌توان از خلفای راشیدن، ابی بن کعب، زبیربن عوام، معاویه، مغیرة بن شعبه، خالدبن ولید، ثابت بن قیس و ابان بن سعید را نام برد.

از حضرت عثمان ﷺ روایت است که چون پاره‌ای از وحی نازل می‌شد، حضرت رسول ﷺ طبق معمول به کتابت وحی دستور می‌داد که آن را در فلان آیه و فلان سوره درج نمائید.(۲)

بدین‌سان در عهد رسالت زیر نظر پیامبر اکرم ﷺ نسخه‌ای از قرآن جمع‌آوری گردید که به شکل کتابی جامع و مستقل نبود، بلکه بیشتر به یادداشتهای پراکنده شباهت داشت.

۱ـ مقدمه‌ی تفسیر معارف القرآن، مفتی محمد شفیع عثمانی، ترجمه مولانا محمدیوسف حسین‌پور.

۲ـ فتح الباری، ج ۲، ص ۱۸.

قرآن بخوان

با تو گر خواهی سخن گوید خدا قرآن بخوان
تا شود روح تو با حق آشنا قرآن بخوان
ای بشر، یاد خدا آرامش دل می‌دهد
دردمندان را بود قرآن دوا قرآن بخوان
دامها گسترده شیطان در مسر عمر تو
تا که ایمن باشی از این دامها قرآن بخوان
«رتل القرآن ترتیلا» ندای رحمت است
می‌دهد قرآن به جان و دل صفا قرآن بخوان

۲

فضایل حفظ قرآن

۱ـ «قرآن» کمال مطلق نور است؛ نوری که تجلی‌گاه رحمت بیکران الهی است؛ نوری که بیان کننده‌ی تمام پاکیها و نشانه‌ی رشد و هدایت و دریچه‌ای به سوی سعادت و کمال است: ﴿يَآ أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَآ إِلَيْكُمْ نُوراً مُّبِيناً﴾[۱] زیرا سخن کسی است که خود نور است و روشنایی‌بخش آسمانها و زمین: ﴿اَللَّهُ نُورُ السَّمَـٰوَاتِ وَالأَرْضِ﴾[۲] و نور خدا (قرآن) در دل مؤمنان سرچشمه‌ی تقویت ایمان است: ﴿مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَـٰوةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ﴾[۳] و این چراغ ایمان و هدایت را در دل مؤمنان جای داد که در پاکی از کفر و پلیدیها همانند شیشه‌ای صاف و زلال از این نور الهی مراقبت نماید تا نه باد آن را خاموش کند و نه نور آن پراکنده گردد: ﴿اَلْمِصْبَاحُ فِى زُجَاجَةٍ﴾[۴] دلی که در پرتوافکنی به نور قرآن و روشناییش به آیات بینات و مواعظ قرآن در جمع شدن نور ایمان و نور

۱ـ نساء / ۱۷۴.

۲ـ نور / ۳۵.

۳ـ همان.

۴ـ همان.

قرآن آنچنان می‌درخشد که گویا ستاره‌ای است درخشان در صفا و زیبایی گهر، که از درخت اخلاص و عقیده‌ی پاک و توحیدی بهره‌مند گردیده است: ﴿الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوكَبٌ دُرِّيٌ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ﴾[۱] و بدین وسیله خود را از قید فتنه و شرک رهایی ساخته است: ﴿لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾[۲] اگر به آن عطایی برسد سپاس گوید و اگر نرسد شکیبایی او برقرار ماند: ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَو لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾[۳] و دل مؤمن بر راه راست است پیش از رسیدن علم به او اگر علم به او رسید با جود علم و ایمان در درونش هدایت بر هدایتش افزوده می‌شود: ﴿نُّورٌ عَلَىٰ نُورٍ﴾[۴] و در حقیقت خدا هر کسی را که بخواهد با این نور رهنمون می‌سازد: ﴿يَهْدِى اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَآءُ﴾[۵]

بنابراین هر کسی صاحب و مالک این نور الهی گردد، نورانی می‌شود رشد می‌یابد و به کمال می‌رسد و در نهایت همواره و در هر لحظه با ملائکه‌ی کرام است و نجوایش با خالق و مدبر جهان هستی!

«الذی یَقْرأُ القرانَ وَ هُوَ ماهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الکِرامِ البَرَرَة»[۶]

۲ـ حفظ قرآن از بزرگترین عبادات است و بندگان خدا با توسل به عبادات کوچک و بزرگ می‌کوشند تا خود را از شایستگان و مقربین درگاه قرار دهند و حافظان قرآن از جمله‌ی دوستان خاص پروردگارند: «أَهْلُ القرآنِ اَهْلُ اللّهِ وَ خاصَّتُهُ»[۷] و اگر حافظان قرآن این خصوصیت و

۱ـ نور / ۳۵.
۲ـ همان.
۳ـ همان.
۴ـ همان.
۵ـ همان.
۶ـ ریاض الصالحین، امام نوری، ترجمه فارسی، ص ۶۱۱.
۷ـ سنن نسائی و ابن ماجه.

شایستگی را حفظ نموده و غنیمت شمرند و بر فراگیری علوم قرآنی اهتمام ورزند و در داشتن آنچه که فراگرفته‌اند، بخل نورزیده و به دیگران بیاموزانند بهترین افراد عالم هستی خواهند بود:

«خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ»(۱)

۳ـ اگر برایِ ایمان درجاتی است و بهشتیان بر اساس ایمانشان مستحقِ درجات مختلف فردوس برین‌اند، حافظ قرآن در بالاترین درجات بهشت جای خواهد داشت، زیرا هر آنکه آیه‌ای بخواند درجه‌ای بالا رود: **«يُقالُ لِصاحِبِ القُرآنِ: اِقرأ وَارْق، وَ رَتِّل كَما كُنْتَ تُـرَتِّلُ فى دارِ الدُّنْيا فَإنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخرِ آيةٍ تَقْرأُها»**(۲)

۴ـ کسی که یک حرف از قرآن را می‌خواند او را یک حسنه است و هر حسنه ده پاداش دارد و حافظ قرآن که باید مدام تلاوت کرده و ممارست نماید پاداش و حسنه‌ی او از حساب برون است: **«مَنْ قَرأَ حرفاً مِنْ كِتابِ اللّهِ فَلَهُ حَسَنَةٌ و الحَسَنةُ بِعَشْرِ أمْثالِها»**(۳)

۵ـ حافظ قرآن دارای نور است و نورانیت، سینه‌اش جایگاه وحی است و نگهبان امانت الهی، و این سینه از عذاب محفوظ است: **«اِقرَؤا الْقرآنَ فإنَّ اللّهَ لا يُعَذِّبُ قَلْباً وَعَى القرآن»**(۴)

۶ـ محبان دنیا را نگر که در کسب مال و دارایی که فناپذیر و موقتی است به هرگونه تجارتی تن در می‌دهند و بی‌مهابا شب و روز برای جمع و شمارش اندوخته‌های خود در تکاپویند و گمان می‌برند این غنائم دنیوی

۱ـ بخاری، ج ۶، ص ۲۳۶.

۲ـ ترمذی، ابوداود، و احمد فی «المسند» (۱۹۲/۲۱).

۳ـ جامع ترمذی.

۴ـ روایت دارمی همراه اسنادش از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه.

که نهایت وفاداری آنها پایان عمر انسان است، ابدی خواهند بود؛ لیکن خوشا به حال حافظان قرآن، کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان داده شده پنهان و آشکارا، به مستمندان بذل و بخشش می‌نمایند. آنان چشم امید به تجارتی دوخته‌اند که تباه‌پذیر نمی‌باشد: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَ أَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُم سِرّاً وَ عَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾[1]

۷ـ روز قیامت در صحرای محشر که آدمیان سرگردانند و سر در گریبان و ندای «یالیتنی» سردادن آنها در آن زمین بی‌مأوی طنین‌اندازی می‌کند و هر کسی چشم به راه شفاعتگری است تا او را از سختیهای آن روز برهاند، چنین مقدر شده که معجزه‌ی بی‌همتای ختم المرسلین خود به دنبال یاران خود و حافظان حقیقی‌اش می‌گردد تا آنها را شفاعت نماید: «اِقْرَءُوا الْقُرآنَ فَإِنَّهُ يَاتى يَوْمَ الْقيامَةِ شَفيعاً لِأَصْحَابِه»[2] و این حافظ کلام نورانی وحی است که به خاطر این فوز عظیم و فضل و رحمت الهی باید شاد و خوشحال باشد، زیرا فضل یزدانی او را در برگرفته و تنها به خاطر فضل و رحمت الهی است که باید خشنود شود:

﴿قُلْ بِفَضْلِ ٱللَّهِ وَ بِرَحْمَتِه فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُواْ﴾[3] آری، اگر خداوند متعال، اراده‌ی خیر به این بنده‌اش نداشت، اگر او را بیش از دیگران دوست نمی‌داشت، اگر او را از میان سایر بندگانش انتخاب نکرده بود، هرگز به او توفیق حفظ کلامش را نمی‌داد و او را بدین کرامت مفتخر نمی‌ساخت اما آنچه نشان از این مدعا دارد، آن است که پروردگار جهانیان هرگاه بنده‌ای را

۱ـ فاطر / ۲۹.

۲ـ قسمتی از حدیث مسلم در باب (فضل قرآءة القرآن).

۳ـ یونس / ۵۸.

بسیار دوست بدارد، در آخرت مقام شفاعت را برایش در نظر می‌گیرد:
﴿يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَـٰنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾[۱]

واه که چه عظمتی دارد حافظ سخن خدای رحمان و کریم شدن، سخنی که پروردگار، بهترین خلایق، سید و سالار انبیاء و خاتم رُسُل، همان که خدای متعال او را رئوف و رحیم خوانده: ﴿بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾[۲] را برگزید تا این کلام را بر او وحی نماید: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾[۳] سخنی جاویدان که اسرار آن اعجاز است و اولین معلمش خداست: ﴿الرَّحْمَـٰنُ ۞ عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾[۴]

۸ـ خدای متعال دنیا را، دنیای اسباب و مسببات قرار داده و حافظان قرآن را یکی از اسباب عدم تحریف قرآن. و این حافظ قرآن است که هم حافظ الفاظ کلام خداوندیست و هم عامل و حافظ احکام آن و خداوند نیز حفاظت چنین شخصی را تضمین نموده است:

«اِحْفَظِ اللّٰه يَحْفَظكَ»[۵]

آری، این حافظان قرآن بوده و هستند که در طول تاریخ، کتاب مبین و حبل متین الهی را از گزند تحریف‌کنندگان مصون داشته‌اند و خداوند متعال نیز از ورای آنها، حافظ نور شفاء و رحمتی است که نازل نموده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾[۶]

۱ـ طه / ۱۰۹. ۲ـ توبه / ۱۲۸.
۳ـ علق / ۱. ۴ـ الرحمن / ۲ - ۱.
۵ـ الاربعین النوویه، امام نووی، حدیث التاسع و العشر.
۶ـ حجر / ۹.

۳

ضرورت و اهمیت حفظ قرآن

امروزه شاهدیم که جهان مادی به لحاظ دوری از ارزشهای انسانی و الهی، همچون کلافی، سردرگم و آشفته‌ی مشکلات اجتماعی و فرهنگی است.

خلأ معنوی‌ای که دشمنان خدا و دشمنان معنویت برای به تسلط درآوردن انسانها و چند روزی بیشتر حکومت کردن بر افکار به وجود آورده‌اند، بیش از پیش محسوس است. شیاطین انس و جن از هر گوشه و کناری برای به انزوا کشیدن ایمان و معنویت دست در دست هم داده و با اسلحه‌های بی‌صدا (تهاجم فرهنگی و فکری) بدون جنگ و جدل و خونریزی، شخصیت انسانها را ترور می‌نمایند.

در این میان دشمنان دین مبین اسلام از هیچ حیله‌ای برای نابودی اسلام فروگذاری نکرده‌اند و شب و روز بی‌وقفه همه‌ی افکار خود را بسیج کرده‌اند تا اسلام و فرامین جاویدش را کهنه و فرسوده و از کارافتاده معرفی نمایند و برای دست یافتن به این مهم هر دم برنامه و روش جدیدی ابداع می‌نمایند و کوشیده‌اند تا به هر وسیله‌ی ممکن، مسلمانان

و بالاخص نیروی جوان و فرزندان جدید اسلام را به بهانه‌ی تمدن و پیشرفت و آزادی (به تعبیر خود آنها) به سوی خود جلب و جذب نمایند.

گاهی لز طریق ماهواره و ویدئو با ارائه‌ی فیلمهای مبتذل و جذاب برای تحریک حس شهوانی جوانان اقدام کرده تا بدین وسیله اخلاق را پایمال، همتها را سست، اراده‌ها را ضعیف و ناتوان، خرافات و اوهام را شایع، عقل و ادراک را ضعیف و سست، روابط را از هم گسیخته و عاطفه و محبت اسلامی را از بین ببرند.

و زمانی به وسیله‌ی مدلهای لباس و تغییر چهره و مدل موی و مواردی از این قبیل وارد شده تا جوانان را به این مسائل پوچ و بی‌ارزش مشغول ساخته، قدرت تفکر، اختراع، نوآوری، تحقیق و تفحص، دانش و پژوهش، علم و صنعت و فن‌آوری را از آنان گرفته تا بدین‌وسیله امت مسلمان از هر جنبه‌ای نیازمند و مصرف کننده و جهان سومی باقی بماند و از طرف دیگر فریاد برآورند که مسلمانان عقب افتاده، یکتاپرستان مرتجع، دینداران، شکست خورده و نمازگزاران و روزه‌داران در اسارتند.

بنابراین در چنین مرحله‌ی پرآشوبی از زمان، که فتنه‌ها چون پاره‌های تاریک شب همه جا را فرا گرفته است باید دستورات حکیمانه‌ی رسول خدا را هرچه محکم‌تر به کار بست و به معجزه‌ی جاویدش چنگ زد و با اهتمام به آن عزتی دوباره به دست آورد.

مگر همین کلام نورانی پروردگار نبود که بر قلب طاهر و پاک خاتم پیغمبران، حضرت محمد مصطفی ﷺ نازل شد و امت اسلام را راهنمایی، عزت، قدرت و انسجام بخشید. همان امتی که پیش از نزول قرآن به صورت قبایل پراکنده‌ای بودند که هیچ پیوند دینی و مصلحت

اقتصادی و یا رابطه‌ی سیاسی آنها را به دور هم جمع نمی‌کرد؛ شغلشان جنگ و غارت و اخلاق و عادتشان ایجاد دشمنی و عداوت بود.

از جنبه‌ی اجتماعی پایین‌ترین و بی‌فرهنگ‌ترین جامعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دادند؛ هرگاه وضع آنان را از لحاظ اقتصادی مورد توجه قرار دهیم متوجه خواهیم شد، که در اوج ضعف اقتصادی و فقر مالی قرار داشتند. از جنبه‌ی علمی نیز در نهایت جهل و نادانی قرارگرفته بودند. در جایی روایت نشده که به علم و فن آشنایی داشته و یا در رشته‌ای از رشته‌های معارف انسانی پیشرفت و برتری به دست آورده باشند. (مگر در فن شعر و شاعری و بذله‌گویی، که در این مسائل دارای طبع و استعداد عالی بودند).

اوضاع سیاسی، صنعتی، علمی، اقتصادی و اجتماعی این ملت به همین نحو از ابتدای وجودش تا مبعوث شدن حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ادامه داشت و به شهادت تاریخ تا آن زمان و در هیچ قرن و نسلی تغییر و تحولی در آنها به وجود نیامده بود. وقتی قرآن به وسیله‌ی رسول خدا، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای هدایت این ملت آمد، بیش از چند سالی طول نکشید که دیدیم ملت عرب به تحرک و جهش افتاد؛ خورشیدوار پرتو افشانی کرد؛ اخلاق و بینش صحیح از خود نمایان ساخت و سپس به عنوان یک نیروی قدرتمند و عادل در جهان به حرکت در آمد.

چه چیز باعث شد این تحول ناگهانی که دنیا را متحیر و مبهوت کرده بود به وجود آید؟

باید بگوییم عامل این تحول عظیم تنها وجود حضرت ختمی مرتبت و قرآن بود که از جانب خدا بر او نازل شد. قرآنی که آن را قانون خود و امتش قرار داد و به عنوان مرجع و پیشوایی معرفی نمود که باید تمام

کارها و امور خود و پیروانش بر اساس آن انجام گیرد و یاران باوفایش نیز با دل و جان در اجرای کامل اوامر و نواهی‌اش اهتمام ورزیدند. آیات را به حافظه‌ی خود سپرده و ذره ذره‌ی آن را در همه‌ی مراحل زندگی خود عملی ساختند.

این امت که قبل از اسلام و نزول قرآن همانند عصر حاضر بی‌تحرک، غیر منسجم و ضعیف بود به وسیله‌ی قرآن زنده گردید و به حرکت درآمد؛ به وسیله‌ی قرآن آگاه و هوشیار شد و به تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی دست یافت و امتی منسجم و جامعه‌ای متشکل را به وجود آورد.

در سایهٔ قرآن به همکاری و مساعدت پرداخت و در پرتو حفظ قرآن، نماز، روزه، خشوع، رکوع، حج و عمره را به جای می‌آورد.

قیام و نهضت، جنگ و صلح، عقد و پیمان را با قرآن شروع نمود، مبارزه و دشمنی‌اش، مباحثه و یادگیری‌اش، تألیف و تدوین و جمع‌آوری‌اش، اختراعات و ابداعات تخریب و نوسازی را کلاً تحت رهبری و راهنمایی قرآن انجام داد. و به اصطلاح امروزی ترقی و تمدن و تکنولوژی و کلیه‌ی دستاوردهای این امت در پرتو قرآن بود.

بر همین اساس امروزه دشمنان اسلام و دین توحید تنها ترس و واهمه‌ی آنها از همین قرآن است و می‌کوشند تا بین قرآن و مسلمانان شکاف ایجاد نموده و قرآن را تنها به عنوان تبرک در منازل و یا وسیله‌ای برای جلب ترحم دیگران در گورستانها و یا اظهار همدردی در مراسم سوگواری قرار دهند.

اعلامیه‌ی جامعه‌ی جهانی یهود می‌گوید:[۱]

«بر ما واجب است که کتاب ایشان، یعنی قرآن را که بُرنده‌ترین سلاح اسلام است استخدام کنیم تا اسلام را از میان برداریم. بر ما واجب است که به مردم نشان دهیم، هرچه مطلب صحیح در قرآن است جدید نیست و از جای دیگر گرفته شده است، و آنچه در آن جدید است، نادرست است.»

ملاحظه کنید که دشمنان اسلام از این قرآن، که پند استوار خداوندی، ذکر حکیم، معلم و صراط مستقیم است چقدر بیمناکند. مگر نه اینکه «گلادستون» یکی از نخست وزیران سازنده‌ی امپراطوری انگلستان، در مجلس عوام گفته بود: دو مانع دشوار که راه ما را بر مستعمرات اسلامی بسته است و با تمام قوا باید در رفع آنها کوشید عبارتند از: (در این وقت قرآن را که همراه آورده بود نشان داد) و گفت: اول این کتاب، او پس از اندکی سکوت، با دست چپ به سمت مشرق اشاره نمود و گفت: دوم این کعبه.

آری، اینها می‌دانند که قرآن تنها کتابی است که دست فرصت‌طلبان شرق و غرب نتوانسته است چهره‌ی واقعی و اصیل آن را دگرگون کند، همچنین به یقین دریافته‌اند که اگر مسلمانان به این دریای بی‌انتهای الهی متمسک گردند، باید در برابر اسلام و مسلمین زانو زده و اظهار عجز نمایند.

لذا با این تفاصیل و در این عصر آشفته و نابسامان بر ما مسلمانان واجب است که به قرآن، این بوستان عدل و گلستان عدالت، این چشمه‌ی

۱ـ التبشیر و الاستعمار فی البلاد العربیه، ص ۴۰.

نامتناهی، این دژ تسخیرناپذیر، این پرتو روشنی‌بخش، این معدن ایمان، این ناصح امین، این بیان‌کننده‌ی معارف انسانی، این جایگاه فرهنگ والای بشری و... چنگ زده و خود را با قوانین عزت بخشش از ذلت و خواری دنیاپرستان برهانیم. و طبعاً حفظ قرآن اولاً راهی است به سوی آشنایی با مفاهیم عالیه‌ی آن و به کاربستن آنها و ثانیاً عامل مؤثری است برای خنثی‌سازی توطئه‌های شیاطینی که قصد دارند بین مسلمانان و قرآن فاصله ایجاد نمایند.

حفظ قرآن کریم و احیای فرهنگ قرآنی در حقیقت راهی است برای آشتی کردن با کتاب وحی.

حفظ قرآن، اثبات دوستی با کلام خداست.

حفظ قرآن، خنثی کننده‌ی تبلیغات سوء نابخردان است.

حفظ قرآن، دریچه‌ای به سوی روشنایی و فرار از ظلمات جهان هستی است.

حفظ قرآن باید اولین دستور هر قانونگذار، مرجع قضاوت هر قاضی، سرلوحه‌ی کار هر مجری و مهمترین برنامه‌ی شبانه‌روزی هر خانواده‌ی مسلمانی باشد.

۴

هدف از حفظ قرآن

هر آیینه انسان برای انجام هر کاری و هر عملی نیت و نهایتاً هدفی برای خودش دارد که نیتش در آن عمل تعیین کننده‌ی سرنوشت اوست.

امام غزالی رحمه الله در این مورد می‌فرماید: «حقیقت نیت، اراده و قصدی است که موجب به کار بردن قدرت باشد و منشاء قدرت شناخت است؛ بدان معنی که تمام کارهایی که از تو سر می‌زند به سه چیز محتاجند: شناخت، اراده و دانستن. وقتی که انسان می‌خواهد کاری را شروع کند او باید از آن آگاه شود و شناسایی حاصل کند و همین شناسایی است که اراده و قصد انجام دادن کار را در انسان ایجاد می‌کند؛ و اراده است که قدرت به حرکت در آوردن اعضاء را برای انجام دادن عملی در انسان به وجود می‌آورد. بنابراین نیت عبارت است از: میل و رغبتی قطعی که نیروی بدن را به کار می‌اندازد. پس کسی که به قصد غارت و به دست آوردن مال به جهاد می‌رود، نیتش همان قصد و هدف است و اگر به قصد ثواب آخرت بجنگد نیت او ثواب اخروی می‌باشد. وقتی که انسان بر اثر قصد و نیت قلبی به یکی از وظایف دینی عمل کند و عبادتی را به انجام

برساند عبادت او از مجموع نیت و عمل او تشکیل می‌شود؛ و نیت یکی از دو جزء عبادت به شمار می‌آید و از جزء دیگر بهتر است».[۱]

بنابراین نیت و هدف ما در حفظ قرآن بسیار مهم است که با چه نیتی و چه هدفی قرآن را حفظ می‌نماییم. پیامبر خدا ﷺ ثواب اعمال را مرهون نیت معرفی فرموده است:

«اِنَّمَا الاعْمالُ بِالنِّیّاتِ و إنَّمَا لِکُلِّ امْرِیءٍ مَا نَوىٰ»[۲]

«محققاً کردارها به نیت‌هاست و هر کسی به سبب نیتش از کردارش بهره می‌برد».

و این بدان معناست که هر عملی که نیت اخلاص آن برای خدا نباشد، ارزشی ندارد. محل نیت قلب است و باید دل متوجه خدا گردد، تا بتوان رضایت خدا را کسب کرد و هر اندازه نیت انسان والاتر و اخلاص در آن بیشتر باشد، اهمیت آن و پیشرفت در آن کار بیشتر خواهد بود. اگر عمل خالص لوجه الله باشد، رضایت خدا و ثواب بی‌شمار و نتیجه‌ی مطلوب و عاقبت خوبی به بار خواهد آورد.

و اگر قصد از عمل شهرت و کسب مال دنیا و یا تعریف و تحسین و تمجید دیگران باشد محققاً مدت بقای شهرت و مال دنیا کوتاه، و نهایتاً با مرگ شخص به پایان می‌رسد؛ در حالی که اگر عمل و جهد و کوشش برای خدا انجام گیرد، شهرتی پاینده‌تر و مالی پر برکت‌تر به بار خواهد آورد و آنگاه رضای خدا و پیغمبرش را کجا می‌توان با چیزی دیگر مقایسه نمود.

۱ـ کتاب الاربعین الامام غزالی، ترجمه برهان حمدی، ص ۲۱۸.

۲ـ ریاض الصالحین، امام نووی، ترجمه عبدالله هروی، باب اخلاص.

می‌توان یافت افرادی را که هدف آنها از حفظ قرآن و یا تلاوتش کسب و امرارمعاش، خودنمایی، مال و شهرت و تعریف و تمجید و فخرفروشی بر دیگران است و یا قرائت قرآن را فرا می‌گیرند تا در گورستانها بر سر قبرها تلاوت کرده و یا در مراسم سوگواری با خواندن قرآن برای دیگران اظهار همدردی نمایند؛ که کاملاً با دستورات قرآن مغایرت دارد.

کسی که قرآن را حفظ می‌کند، اما از اوامر و خواسته‌هایش سرپیچی می‌کند و مرتکب نواهی و ممنوعات آن می‌شود، در حالی که مردم را با قرآن مخاطب قرار می‌دهد و خود را فراموش می‌کند، قرآن بر ضد او و سبب لعنت و افزونی کوری و ظلمتش خواهد بود.

یکی از سلف صالح گفته است: «چه بسیار حافظان و قاریانی هستند که قرآن آنها را لعنت می‌کند».(۱)

بنابراین می‌توان گفت، نیت به مثابه‌ی جان، و عمل به مثابه‌ی تن است و ارزش و اعتبار عمل هر فرد در گرو نیت و هدف اوست. اما حفظ قرآن کریم با هر هدف و قصدی باشد، دارای ارزش است، زیرا حافظانِ عمل‌کننده به قرآن دارنده‌ی تمام ارزشهایند و حامل نورند؛ و خاصیت ذاتی نور، روشنایی و راهنمایی است و شایسته است حافظ نور الهی نیت و هدفی همسنگ با نور برای خود در نظر بگیرد و نیتش را صادقانه و خالصانه نماید، زیرا مبنای پذیرش و مقبولیت اخلاص است:

ـ ﴿وَ مَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعْبُدُوا ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَآءَ﴾(۲)

«و جز این دستور نداشتند که خدا را با اخلاص دین، بپرستند و حنیف باشند».

۱ـ به نقل از کتاب تجوید آسان، ترجمه شیخ عبدالکریم محمدی.

۲ـ بینه / ۵.

ـ ﴿إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَابَ بِٱلْحَقِّ فَاعْبُدِ ٱللَّهَ مُخْلِصاً لَّهُ الدِّينَ﴾(۱)

«ما کتاب را به حق به سوی تو نازل کردیم، پس خدا را با اخلاص دین نسبت به او عبادت کن».

ـ ﴿قُلْ إِنِّىٓ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾(۲)

«بگو من خدا را می‌پرستم و دینم را برای او خالص می‌گردانم».

ـ «اِنّ اللَّهَ لاَيَنْظُرُ اِلى اَجْسَامِكُمْ وَ لا اِلى صُوَرِكُمْ وَ لكِنْ يَنْظُرُ اِلى قُلُوبِكُمْ»(۳)

«خداوند به پیکرها و قیافه‌های شما نمی‌نگرد، بلکه به دلهای شما نگاه می‌کند».

ـ «اَلاٰ اِنَّ فى الجَسَدِ مُضْغَةٌ: اِذا صَلَحَتْ صَلَحَ الجَسَدُ كُلُّهُ وَ اِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الجَسَدُ كُلُّهُ اَلاٰ وَ هِيَ القَلْبُ»(۴)

«بدانید که در بدن تکه گوشتی است که اگر اصلاح شود همه‌ی بدن اصلاح می‌گردد و اگر فاسد شود، همه‌ی بدن به تباهی می‌گراید و آن قلب است».

۱ـ زمر / ۲. ۲ـ زمر / ۱۱.

۳ـ ریاض الصالحین امام نووی، ترجمه عبدالله هروی، ۶.

۴ـ همان منبع.

حفظ قرآن

قرآن که بود پیام ایزد		نازل شده است بر محمد
اعجاز نبوت است قرآن		آیات هدایت است قرآن
قرآن که نشان دهد ره راست		برنامه زندگانی ماست
این است کتاب دینی ما		برنامه آسمانی ما
باید که همواره بازخوانیم		تا حکم خدای خود بدانیم
در حافظه بسپریم آن را		هم یاد دهیم دیگران را
فرمود پیامبر: ای مسلمان		هر کس که کند عمل به قرآن
قرآن همه عمر با دل اوست		گلزار بهشت منزل اوست
اما به جهنم است جایش		آنکس که نکرد اعتنایش

۵

بهترین دوران حفظ قرآن

قبل از هر چیز بایداین مطلب بسیار مهم را یادآور شویم که حفظ قرآن به سن و سال خاصی اختصاص ندارد بسیارند کسانی که می‌گویند: سن ما رو به فزونی نهاده و عمری از ما گذشته است، نه توانایی حفظ قرآن را داریم و نه هم حافظه‌ی آن را. البته بدیهی است که میان کهنسالان و خردسالان تفاوتی هست ولی باید دانست که این تفاوت ارتباط چندانی با سن و سال ندارد، زیرا دو عنصر اصلی، علاقه و پشتکار که از لوازم مهم و از ارکان حفظ قرآن به شمار می‌آیند، را می‌توان در هر مقطع سنی یافت.

اینکه کسی وقتش کم یا زیاد است و یا در حفظ سریع است، بسته به میزان اوقات فراغت و چگونگی استفاده از قدرت حافظه‌ای اوست. گاه شخص مسنی، هم از اوقات فراغت مناسبی برخوردار است و هم خیلی خوب از حافظه بهره می‌گیرد، چنین کسی می‌تواند در مدت کمتری از زمانی که شخص خردسال بدان نیاز دارد حفظ کند؛ با این حال نمی‌توان این مسئله که نوجوانان و جوانان از قابلیت و استعداد بیشتری برای حفظ و دانش‌طلبی برخوردارند را نادیده گرفت.

مسلماً اگر انسان قرآن را در سن نوجوانی یا اوایل جوانی حفظ کند و حق حفظ را ادا نماید، تسلط او بیشتر خواهد بود، زیرا در این دوره از زندگی، ذهن و حافظه روشن‌تر و در نتیجه کشش بیشتری دارد.

در واقع بهترین سن حفظ قرآن را می‌توان بین ۱۰ الی ۱۵ سالگی پیشنهاد نمود و بهتر است که کودکان تا قبل از رسیدن به این مقطع، روخوانی و روان‌خوانی قرآن را فراگرفته و تا مرحله‌ی مقدماتی تجوید و ترتیل‌خوانی را نیز بیاموزند که کمک شایانی به حفظ قرآن می‌شود.

اگرچه کودکی و جوانی بهترین دوران علم‌اندوزی محسوب می‌شوند، اما نباید از این نکته غافل شد که اراده و پشتکار قوی از اموری است که مرزبندی نمی‌شناسد.

و باید دانست که موفقیتها و کمالات هیچ‌گاه به آسانی به دست نمی‌آید، بلکه علاوه بر اراده‌ی قوی، تلاش و پشتکار، مداومت فراوان را می‌طلبد و چه زیبا فرموده است که:

به هوس راست نیاید به تمنا نشود — که در این رو بسی خون باید خورد

۶

مقدمات حفظ قرآن

مقدمات حفظ قرآن یا آنچه لازمه‌ی شروع حفظ قرآن است عبارتند از:
الف: آمادگیهای درونی،
ب: آمادگیهای عملی.

آمادگیهای درونی عبارتند از:

۱ـ نیت

نیت یا به عبارتی تصمیم گرفتن، اولین محرک هر شخصی برای شروع یک برنامه و انجام دادن یک عملی است. یعنی اینکه انسان هدفی را برای خود در نظر گرفته و برای رسیدن به این هدف و نیت حرکت نموده تا به مقصد برسد.

در حفظ قرآن نیز شخص می‌بایست تصمیم بگیرد که با جدیت تمام قرآن را حفظ نماید و نگذارد که هیچ سدی مانع این انگیزه‌ی او شود و از طرفی دیگر نیت و قصد حفظ قرآن باید الهی باشد که هرگاه در طول دوران حفظ، مانعی پیش آمد که باعث دلسردی فرد شد، با یادآوری نیت و انگیزه‌ی اولیه، خود را تقویت نماید.

۲ـ علاقه

مهمترین وسیله و تکیه‌گاه هر فردی برای انجام هر کاری قبل از اینکه به شروع آن مصمم گردد، عشق و علاقه‌ای است که به آن دارد.

در واقع علاقه و اشتیاق به منزله‌ی سوخت یک موتور است، تا مادامی‌که این موتور سوخت برای مصرف کردن داشته باشد کار می‌کند و فعالیت دارد؛ همین که سوخت آن تمام شد، گرچه موتور سالم باشد از کار می‌افتد و توانایی تحرک را از دست می‌دهد.

انسان هم به منزله‌ی موتوری است که عشق و شوق قلبی او را آماده‌ی تصمیم گرفتن به انجام کاری و در نهایت، تحرک وا می‌دارد.

و حقیقتاً برای حفظ قرآن نیز باید انسان از درون قلب علاقه‌ای وافر و عشق و ایمانی سرشار داشته باشد تا بتواند سختیها و شب‌بیداری‌ها و مشکلات میان راه را متحمل شود و این علاقه و شور و شوق باید درونی و عمقی بوده تا مؤثر واقع شود؛ نه اینکه یک علاقه‌ی سطحی و زودگذر باشد که انسان لحظه‌ای احساساتی بشود و چون دیده و شنیده که دیگران قرآن را حفظ نموده‌اند و در نمازهای تراویح و قیام اللیل در ماه مبارک رمضان قرآن را از بَر می‌خوانند، او نیز مصمم به حفظ قرآن شود.

بله، چنین احساساتی خوب است و پسندیده و گاهی به عنوان یک جرقه‌ی مؤثر واقع می‌شود، ولی مهم‌تر از همه این است که این احساسات غنیمت شمرده شده و به آنها تداوم بخشیده شود تا شوق و اشتیاق وافری به وجود آید و با پیگیری مداوم و مستمر، این علاقه تقویت گردد. بسیاری بوده‌اند که با دیدن یک مسابقه‌ی حفظ قرآن یا یک حافظ، علاقه به حفظ پیدا نموده و چند مدتی نیز برای حفظ اقدام کرده و یا در کلاسهای تحفیظ قرآن شرکت نموده‌اند، ولی چون این احساسات سطحی و لحظه‌ای بوده،

بعد از مدتی آن را رها کرده و به فراموشی سپرده‌اند.

چه بسا افرادی که به دلیل عدم علاقه و انگیزه‌ی لازم، بعد از حفظ ۱۰ یا ۱۵ جزء قرآن و یا اینکه در مواردی حفظ کل قرآن مجید، برنامه‌ی حفظ قرآن را رها کرده و نتوانسته‌اند از محفوظاتشان نگهداری نمایند که ضرر آن بیشتر از نفع آن است.

۳ـ اراده و پشتکار قوی

یکی دیگر از ملزومات حفظ قرآن اراده و پشتکار قوی است، زیرا اراده و پشتکار برای رسیدن به قله‌های پیشرفت در زندگی آینده یک اصل فراموش‌نشدنی است. مطمئناً انسان برای رسیدن به درجات رفیع علمی و معنوی باید مشکلات و موانع فراوانی را پشت سر بگذارد که ذکر آنها در این مجال نمی‌گنجد. با خوابیدن و کار و تلاش نکردن و شعار دادن، انسان به رشد و تعالی و کمال نمی‌رسد، بلکه باید تلاش نماید و اراده‌ی محکم و پشتکاری قوی داشته باشد تا بتواند پله‌های ترقی و بزرگی را طی کند.

حفظ قرآن نیز از این مقوله خارج نیست. جدا از توفیقات الهی که باید شامل حال انسان شود تا بتوان حتی تصمیم به حفظ قرآن بگیرد، حفظ قرآن استمرار، استقامت و تلاش و پشتکار می‌طلبد. تکرار مداوم و مستمر، شب‌بیداری، تحمل مشقتها، غلبه بر وسوسه‌های شیطانی که همواره در میانه‌ی راه انسان را مأیوس می‌کند، که تو نمی‌توانی، استعداد نداری یا مشکل است، اگر حفظ کنی بعد فراموش می‌نمایی و... همه‌ی اینها در واقع موانعی هستند که صبر و استقامت می‌طلبند تا بتوان بر آنها چیره شد و همین سه اصل علاقه و نیت و پشتکار را می‌توان از ارکان

اصلی حفظ قرآن نام برد که موارد دیگر را تحت پوشش خود قرار می‌دهند. حتی کسانی که استعداد نداشته‌اند یا از حافظه‌ای قوی برخوردار نبوده یا سنی از آنان گذشته است، با علاقه و استقامت به مرور زمان و تدریجاً توانسته‌اند کل قرآن را حفظ نمایند.

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
هرکو عمل نکرد و عنایت امید داشت دانه شکافت ابله و دخل انتظار کرد

آمادگیهای عملی که عبارتند از:

۱-روخوانی و صحیح خواندن کلمات

هر فردی باید تلاش کند، قبل از اینکه حفظ قرآن را شروع نماید، ابتدا روخوانی و روان‌خوانی آیات را فراگیرد تا بتواند آیات قرآن را به صورت صحیح و درست و با تسلط کامل قرائت کند، زیرا اگر ما قبلاً روخوانی قرآن را بدانیم و چشم‌مان با کلمات آشنایی داشته باشد، بهترین زمینه‌ی عملی برای حفظ فراهم شده است؛ در غیر این صورت در زمینه‌ی حفظ قرآن راه بس دشواری را شروع نموده که بازده‌اش بسیار کم است.

بهترین و مؤثرترین کار برای کسب آمادگی بیشتر برای حفظ قرآن این است که روخوانی قرآن تا قبل از سن ۱۰ سالگی به صورت صحیح و کامل فراگرفته شود، زیرا از همان سن و سال است که کلمات در ذهن نقش می‌بندند و آماده می‌شوند برای اینکه آنان را با تمرین و تکرار، قالب‌بندی نموده و در دفتر ذهن و حافظه‌ی خود ثبت نمائیم.

۲ـ فراگیری ترتیل

یکی دیگر از مقدمات حفظ قرآن که بسیار مهم است مرحله‌ی فراگیری ترتیل‌خوانی است که عبارت است از: تجوید (در بحث جداگانه‌ای به آن خواهیم پرداخت) و وقف و وصل آیات و صوت و لحن (آیات را با عربی خواندن) و همه‌ی این موارد به ترتیل‌خوانی مربوط می‌شود، که در واقع یادگیری این فن به صورت صحیح زیر نظر استاد مجرب باید انجام گیرد، از موارد مهم مراحل قبل از شروع حفظ قرآن است و بدین ترتیب ما راه را برای حفظ کردن آماده کرده و با این آمادگیهای لازم به راحتی می‌توانیم قرآن را حفظ نماییم.

بهترین دوران فراگیری ترتیل سنین ده سالگی و بالاتر است و چه زیباست اگر به کودکان و نوجوانانی که در کلاسهای قرآن و یا مکتب‌خانه‌ها جهت یادگیری قرآن شرکت می‌نمایند، از همان اوایل در اثنای روخوانی قرآن، قواعد ابتدایی تجوید همراه با صوت و لحن با لهجه‌ی عربی به آنان آموخته شود. گرچه دقت بیشتری باید صرف کودکان نمود ولی بعدها به راحتی می‌توانند کل قرآن را زیبا و به صورت ترتیل تلاوت نمایند.

درس قرآن

اگر درس ما درس قرآن بود	دل ما پر از نور ایمان بود
بود نور ما در جهان نور دین	بود افتخار ما از کتاب مبین
مباش ای جوان مسلمان غمین	به دل جایگزین کن تو توحید دین
ز خواب گران خیز و دشمن ببین	یهود و نصارا همه در کمین
همه در کمین تا که قرآن برند	ز ما قوت دین و ایمان برند
سپهر بلند طاق ایمان ماست	همه سربلندی ز قرآن ماست
هر آنکه ز قرآن ندارد اثر	نهال وجودش ندارد ثمر
الا ای کلام عزیز خدا	تویی کیمیا و تویی رهنما
تو بی‌عیب و نقصی و بی اشتباه	تویی رحمت حق، توی سرپناه
تویی نسخه پاک یزدان پاک	به اوج فلک می‌رسانی ز خاک
درود فراوان ما بر تو باد	همه جان عالم فدای تو باد

۷

شرایط عمومی مؤثر در موفقیت حفظ قرآن

۱ـ نوع قرآن انتخابی

برای حفظ بهتر است از یک قرآن معین و مشخص استفاده شود و تا آخر عوض نگردد؛ هم رنگ خط و هم رنگ صفحه‌ی قرآن انتخابی برای همیشه باید ثابت باشد؛ زیرا عامل مؤثری در سهولت و افزایش سرعت حفظ است. در این رابطه بهترین قرآن جهت حفظ کردن که از شرایط بهتری نسبت به مصحفهای دیگر برخوردار است، مصحف با خط عثمان طه، خطاط برجسته‌ی مصری پیشنهاد می‌شود که دارای ۶۰۴ صفحه و هر صفحه دارای ۱۵ خط و انتهای هر صفحه با آخر آیات ختم می‌شود؛ این گونه نیست که نصف آیه در یک صفحه و نصف دیگر در صفحه‌ی بعد باشد؛ به همین دلیل قرآن صفحه تمام نیز به آن می‌گویند. جالب‌تر از همه اینکه هر جزئی ۲۰ صفحه دارد (مگر جزء اول و جزء آخر) لذا تشخیص وسط جزء و ربع جزء و تقسیم‌بندیها به راحتی امکان‌پذیر است.

خصوصیت دیگر آن اینکه کار را برای حافظانی که در ماه مبارک رمضان در نماز تراویح قرآن را ختم می‌نمایند بسیار آسان نموده

است وکمتر اتفاق می‌افتد که دنباله‌ی آیات در رکعات بعدی فراموش گردد.

ظاهراً در اکثر مراکز تحفیظ قرآن‌کریم از این نوع رسم الخط استفاده می‌شود که مورد تأیید اساتید محترم حفظ قرآن است. در بعضی مناطق نیز از رسم‌الخط‌های دیگری استفاده می‌شود و در آن مصاحف قرآن را به رکوع ـ رکوع تقسیم‌بندی نموده که مقصودشان بیان اماکن مناسب وقف، و رکوع کردن در نماز است و با علامت (ع) بدان اشاره می‌کنند.

به هر حال توصیه شده است که از یک نوع رسم‌الخط و چاپ قرآن استفاده گردد و اندازه‌ی آن نیز متوسط باشد و ترجمه نیز نداشته باشد؛ برای اینکه اگر بزرگ باشد در موقع حفظ ممکن است مفید باشد اما در موقع ارایه دادن به مشکلاتی برخورد می‌کنیم، زیرا در هنگام ارایه دادن باید صفحه‌ی طویلی در ذهن مجسم شود که خالی از نقص نیست و از طرفی کوچک هم نباشد، زیرا فواصل خطوط به هم نزدیک است و در موقع تمرین، برای اعصاب و چشم ضرر دارد، همچنین در موقع ارایه دادن، خطوط فشرده و نزدیک به هم، با هم اشتباه می‌شود؛ البته اندازه‌ی کوچک آن در زمانهای گوناگون در خارج از کلاس (اگر جیبی باشد بهتر است) می‌تواند برای رفع اشکال قابل استفاده باشد.

اما اینکه قرآن، بدون ترجمه باشد، به این دلیل که ممکن است در هنگام حفظ به معانی توجه شود و به امر حفظ خلل وارد گردد. ناگفته نماند اگر کسی می‌خواهد همراه حفظ، ترجمه، آیات را نیز یاد بگیرد امر بسیار شایسته و درخور توجه است. مسلم است که این کار در امر پیشبرد حفظ مؤثر است و برای این کار می‌تواند به صورت جداگانه از کتب ترجمه و تفسیر استفاده نماید.

۲ـ برنامه‌ریزی دقیق و منظم

بی‌تردید باید بگوییم که یک برنامه‌ی دقیق و بعضاً اجرای منظم و مداوم این برنامه، از شرایط مهم موفقیت در امر حفظ به شمار می‌آید. همان طوری که می‌دانید برای انجام هر امری و رسیدن به هر هدفی، نظم و انضباط بسیار مؤثر است. حفظ قرآن نیز از این قاعده مستثنی نیست و مستلزم یک برنامه‌ی مرتب و حساب شده‌ای است. بنابراین حافظ قرآن اعم از کسانی که در کلاسهای حفظ حضور به هم می‌رسانند و نیز آنهایی که انفرادی مبادرت به امر حفظ قرآن می‌نمایند، باید با اهل نظر در این امر مشورت نموده و یک برنامه‌ی دقیق، مطابق با اوقاتی که می‌خواهند به این امر اختصاص دهند، تهیه نموده و خود را ملزم به اجرای آن نمایند. خوب است برنامه‌ای تهیه گردد که حداقل آن معین بوده و حداکثر نداشته باشد؛ چون در بعضی از روزهای تعطیل فرصت بیشتری برای اختصاص به این کار است. مثلاً فردی روزانه ۵ ساعت را به حفظ قرآن اختصاص می‌دهد (البته در مراکز حفظ قرآن که شبانه‌روزی است، تمام وقت صرف برنامه‌ی حفظ می‌شود) برنامه‌ریزی می‌نماید که ساعت اول را به حفظ مثلاً یک صفحه بپردازد و ساعات باقیمانده محفوظات قبلی‌اش را تکرار نماید.

و باید بر همین اساس هر روز در همان ساعت معین حفظ نماید، حالا اگر در بعضی از روزها نتوانست آن یک صفحه‌ای را که در نظر گرفته در ساعت تعیین شده تماماً از حفظ نماید، به هر تعداد از آیاتی که حفظ نموده بسنده کند و اوقات دیگر را اشغال ننماید که برنامه‌اش مختل گردد.

عدم رعایت نظم و انضباط، اغتشاش و کندکاری ذهنی به وجود می‌آورد و در نتیجه باعث دلسردی می‌گردد.

۳ـ تمرکز حواس

یکی دیگر از شرایط مؤثر در امر حفظ قرآن و یا هر متن دیگر تمرکز حواس است، یعنی اینکه انسان توجه و دقت خود را روی یک موضوع معطوف داشته و نگذارد که این دقت و توجه او به سوی موضوعات و یا راه‌های دیگر منحرف شود. البته این بدان معنی نیست که حتماً باید در جایی خلوت و تنهایی در یک گوشه که هیچ احدی حضور نداشته باشد کار انجام گیرد تا ذهن متمرکز شود.

ذهن آدمی توان دارد که در محیط‌هایی با صداهای موزون فارغ از آنچه در پیرامونش می‌گذرد به سهولت و راحتی، مشغول ثبت و ضبط معلومات و محفوظات گردد و این مستلزم آن است که نگذاریم پرنده‌ی خیالمان از موضوع اصلی پر بگیرد و سلسله‌ی افکارمان از این شاخه به آن شاخه بپرد. در چنین وضعیتی حتی اگر در جایی خلوت و تنها و بدون سر و صدا باشیم، اگر سست اراده بوده و تشویش فکری داشته باشیم، ذهن ما فرار کرده و نمی‌توانیم آن را متمرکز نماییم.

با این تفاصیل اگر انسان هر وقت احساس می‌کند که نمی‌تواند تمرکز حواس داشته باشد، بهتر آن است که حفظ ننماید و به وقتی دیگر موکول کند تا اینکه بازده بهتری از محفوظات خود به دست آورد.

۴ـ زمان مناسب

بهترین زمان برای یادگیری و حفظ زمانی است که انسان در آن وقت آمادگی کافی و لازم را دارا باشد. بهتر است در هر زمانی که انسان احساس کرد آمادگی ذهنی و فکری بیشتری دارد، همان زمان را به طور منظم و دایمی برای حفظ انتخاب نماید.

با توجه به مطلب فوق در می‌یابیم که بهترین زمان، اختصاص به ساعاتی از روز ندارد، بلکه معیار اصلی مقتضای طبیعت افراد است. البته در کلاسهای حفظ قرآن، اساتید با عنایت به تجربه و تخصص خود، زمان ثابتی را برای شاگردان مشخص می‌نمایند و در این زمینه آنان را راهنمایی می‌کنند. ولی به طور کلی، اوقاتی که انسان از آرامش ذهنی بیشتری برخوردار است، عبارت است از: اول صبح و اول شب.

اگر در مراکز حفظ قرآن برای همه‌ی افراد یک زمان معین جهت حفظ در نظر گرفته می‌شود، دلیل آن به وجود آوردن هماهنگی و نظم است و قرآن پژوهان می‌توانند خودشان را با این زمان تعیین شده سازگار نمایند اما برای افرادی که می‌خواهند بدون شرکت در کلاسها، قرآن را حفظ نمایند، زمان حفظ برای آنها تحمیلی نیست. خودشان باید مناسب با حال و وقت خود زمان را مشخص نمایند.

بنابراین هر وقتی که زمان مناسب برای روحیات و موقعیت ذهنی فرد باشد، آن را به امر حفظ اختصاص داده و به همین منوال در روزهای آتی نیز سعی شود این زمان تعیین شده به صورت ثابت محفوظ نگهداشته شود.

۵ـ مکان مناسب

جایی که برای حفظ در نظر گرفته می‌شود نیز دارای اهمیت است حالا چه یک کلاس عمومی باشد و یا اینکه فرد به تنهایی مبادرت به امر حفظ نماید. باید سعی شود مکانی انتخاب گردد که اشیای مختلف با نقش و نگارهای متفاوت در دید انسان نباشد، زیرا ممکن است هر کدام اشتغالاتی را در ذهن ایجاد کند. حتی‌الامکان باید سعی

شود که جایی ثابت در نظر گرفته شود، زیرا تغییر مکان از تمرکز حواس می‌کاهد.

۶ـ غذای مناسب

غـذای مـناسب و مـتوسط خـوردن در حـفظ نـقش مـؤثری دارد. پرخوری خود باعث از کارافتادن ذهن می‌شود.

همچنان که کم‌خوری زیاد نیز آمادگی ذهنی را کاهش می‌دهد، زیرا جسم و روح با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند و عدم تناول غذای مناسب روح و ذهن را به دنبال جسم دچار اختلال می‌نماید.

۷ـ شروع حفظ

شروع حفظ بهتر است از اول جزء سی‌ام باشد. دلیل این توصیه آن است که سوره‌ی بقره بسیار طولانی است و انسان هـرقدر کـه تـمرین و تکرار می‌کند به اتمام نمی‌رسد و لذا ممکن است حافظ را ملول و خسته و دلسرد کند. اما در جزء سی‌ام سوره‌ها کوتاه است و حفظ آنـها سـریع و آسان است و باعث تشویق و دلگرمی می‌شود.

۸ـ مستمع محفوظات[۱]

وجود شنونده و هم مباحثه در دوران حفظ، مختص افرادی است که قصد دارند بدون شرکت در کلاسهای حفظ و یا جلسات قرآنی به تنهایی، قرآن را از حفظ نمایند.

۱ـ وجود شنونده‌ای جهت گوش دادن به مطالب حفظ شده.

معمولاً اقدام به حفظ قرآن به تنهایی و بدون همراهی حداقل یک نفر همراه مصمم و جدی و اهل فن مشکل بوده و در این صورت پایبندی محکمی برای ادامه‌ی کار وجود نخواهد داشت. همچنین امکان دارد برخی از کلمات به صورت اشتباه و غلط به حافظه سپرده شوند که اگر در همین اوایل اصلاح نگردد در آینده باعث مشکلات زیادی خواهد شد. بنابراین توصیه می‌شود حافظ قرآن در هر مرحله از حفظ که هست آنچه را که حفظ کرده برای فرد دیگری که حداقل در روان‌خوانی قرآن مسلط باشد ارائه دهد تا او گوش کند و غلطهای او را تصحیح نماید. این روش باعث تسلط حافظه می‌شود.

۹ـ شرکت در کلاسهای حفظ

حضور در جلسات مخصوص حفظ قرآن نیز در موفقیت حفظ و بهتر حفظ کردن مؤثر است. افرادی که نمی‌توانند به طور شبانه‌روزی در کلاسهای حفظ قرآن در مراکزی که بدین منظور در نظر گرفته شده است، شرکت نمایند باید طوری برنامه‌ریزی کنند که ساعاتی از روز یا حداکثر در طول هفته چند جلسه را به منظور شرکت در کلاسهای حفظ در نظر داشته باشند، زیرا ارایه‌ی حفظ به استاد کلاس و استفاده از تجربیات و ارشادات استاد برای سرعت بخشیدن به امر حفظ و آسانی کاری بسیار مناسب و پرفایده است.

۱۰ـ درک معانی و مفاهیم قرآن

توجه به مفاهیم و معانی قرآن در امر تسریع و تسهیل حفظ قرآن بسیار مؤثر است. بدون شک حفظ قرآن با توجه به معانی و مفاهیم خیلی

مؤثرتر است از اینکه ما تنها طوطی‌وار، الفاظ قرآنی را از بر نماییم. حتی در هنگام تلاوت و ارایه دادن، اگر نص آیه یا چند کلمه از آیه به ذهن نیامد می‌توانیم با توجه به معانی کلی آیه، دنباله‌ی آیه را به ذهن آوریم.

عطر قرآن

عطر قرآن عطر ایمان می‌رسد
ای مسلمانان مسلمانی کنید

مرزبانان حریم روشنی
حرمت دین را نگهبانی کنید

عاشقان آمد بهاری گل‌افشان
باغ دلها را گل‌افشانی کنید

عطر سبز نوبهار عاشقیست
کوچه دل را چراغانی کنید

مژده‌های آسمانی می‌رسد
گوش بر آوای سبحانی کنید

با بهار تازه هم آوا شوید
لحظه‌ها را سبز و روحانی کنید

پا به پای لحظه‌های سبز عشق
جان ز شوق وصل نورانی کنید

باغ باورهای ما گل می‌کند
دوستان، یاران غزلخوانی کنید

دیده دل را دل بی‌تاب را
روشن از آیات قرآنی کنید

بارش سبز بهار رحمت است
دیده را از شوق بارانی کنید

با زلال عطر رنگین دعا
چاره درد و پریشانی کنید

سفره سبز سخاوت گسترید
بر بساط عشق میهمانی کنید

آینه در آینه نور خداست
عاشقان آینه‌گردانی کنید

هرچه غیر از آیه‌های عشق او
پیش پای یار قربانی کنید

۸

روشهای مختلف حفظ قرآن

برای حفظ قرآن در طول تاریخ از صدر اسلام تاکنون روشهای گوناگون و فروانی وجود داشته است.

هرکسی برای خود و یا هر گروهی برای خودشان به مقتضای موقعیت و فرصت و یا طبیعت ذاتی و درونی شیوه‌ها و روشهایی برای حفظ داشته‌اند. اشخاص مختلف برای حفظ، اندیشه و روش خاصی دارند و این‌گونه نیست که حتماً افراد را به روشی خاص رهنمون ساخت. روش حفظ قرآن مبتنی بر تکرار است و همین تکرار کردن نقطه‌ی مشترک بین همه‌ی روشهای مختلف حفظ می‌باشد.

شخصی که می‌خواهد حافظ قرآن شود، باید آن قدر آیات را تکرار کند، تا حفظ شود و آنگاه که حفظ شد، به قدری تکرار کند که آیات از ذهنش نرود. یعنی هر آیه‌ی قرآن را چند بار تکرار کند تا کاملاً حفظ شده و به راحتی بتواند آن آیه را از حفظ بخواند. سپس آیات بعدی را نیز همین طور حفظ کند و با حفظ هر آیه، آن را با آیات دیگر از حفظ تکرار نماید تا آیات کاملاً به هم مرتبط باشند تا اینکه به خاطر تکرار زیاد، هرگاه

آیه‌ای را شروع کند که از حفظ بخواند، آیات بعد از آن بلافاصله به ذهنش بیاید. این را می‌گویند حفظ قرآن، حالا به هر شیوه و روشی که حفظ شده است.

در طول سالهایی که بنده (مؤلف) مدرس حفظ قرآن بوده‌ام به تجربه ثابت شده است، روشی را که ما آن را برای همه بیان کردیم، مورد استفاده‌ی بعضی‌ها قرار نگرفته و روش حفظ آن افراد با دیگران فرق داشته است، ولی در خود کلاسها حتی‌الامکان سعی شده است که حافظان قرآن از یک شیوه‌ی واحد و هماهنگ تبعیت نمایند، تا نظم و قانونی واحد در کلاسها حاکم باشد و بدین‌گونه بازدهی بهتری داشته باشیم.

وجود دو روش عمده برای حفظ

در حفظ و یادسپاری هر متنی، اعم از آیات قرآنی و یا هر مطلب دیگری، دو روش عمده را می‌توان نام برد:

۱ـ روش کلی، ۲ـ روش جزء به جزء.

آیا برای حفظ آیات بهتر است هر آیه را مجزا حفظ نموده و به آیات دیگر بپردازیم یا یک صفحه از قرآن و یا یک سوره‌ی کامل را بارها تکرار کرده تا حفظ شویم؟

در روش کلی، ارتباط بین جملات به‌راحتی برقرار می‌شود؛ زیرا فرد مثلاً یک صفحه را از ابتدا تا انتها بارها تکرار می‌کند تا حفظ شود. لذا تمام جملات به صورت پیوسته در ذهن او نقش می‌بندد. اما در این روش وقت و انرژی بیشتری باید صرف کرد. از آنجایی که یکی از ملاکهای انتخاب روش حفظ بهتر، شیوه‌ای است که بتواند با صرفه‌جویی

در وقت و انرژی فکری، بازدهی بهتری داشته باشد، روش جزء به جزء (قسمت به قسمت) نسبت به روش کلی وقت و انرژی کمتری را می‌طلبد، چرا که فرد در روش جزء به جزء هر قسمت از آیه را با اندکی تکرار حفظ نموده و سپس به سراغ قسمت بعدی می‌رود و پس از حفظ این قسمت با چند بار تکرار کردن، دو قسمت به راحتی با هم وصل شده و به همین صورت همه‌ی آیات یک صفحه را به همدیگر مرتبط می‌سازد.

۹

بهترین روش و برنامه‌ی پیشنهادی برای حفظ قرآن

خواننده‌ی گرامی، در اینجا نیز باید متذکر شویم که هرکس به مقتضای طبیعت خویش می‌تواند روشی را برای حفظ قرآن در نظر بگیرد. افرادی هستند که پروردگار منّان حافظه‌ی بسیار قوی‌ای را به آنان مرحمت فرموده است، که در مدت بسیار کوتاهی می‌توانند به نحو احسن کل قرآن را از بر نمایند و به صورت یک قرآن متحرک جامعه‌ی اسلامی را منوّر سازند و افرادی نیز هستند که استعداد کمتری در حفظ مطالب دارند، اما با علاقه و پشتکاری وافر توانسته‌اند بالاخره پس از مدتی طولانی آیه‌های نورانی کلام وحی را در سینه و حافظه‌ی خود به ودیعه بسپارند. مطمئناً هر کسی در این راه مشقّت بیشتری را متحمل شود پاداش بیشتری دریافت خواهد نمود.

و در این مورد به یکی از فرمایشات صاحب این معجزه‌ی عظیم حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله استناد می‌نماییم که فرمود:

«الّذی یَقْرَأُ الْقُرانَ وَ یَتَتَعْتَعُ فیهِ وَ هُوَ عَلیهِ شاقٌّ لَهُ أجْرانِ»[۱]

«آنکه قرآن می‌خواند و در خواندن آن تکلیف بر او وارد شده و بر او سخت است برای او دو اجر است».

بنابراین بعضی با یک بار تلاوت کردن یک آیه‌ای را حفظ می‌کنند و برخی نیز باید چندین بار تکرار نمایند تا آیات را به حافظه‌ی خود بسپارند و برای این کار به روشهای مختلفی متوسل می‌شوند و از این میان تنها جاودانه کردن محفوظات است که مهم است و باید برای این کار اهتمام ورزید.

در هر صورت بهترین روش و شیوه‌ی حفظ قرآن روشی است که نگذارد به سادگی قرآن فراموش شود و با صرف وقت کم و گرفتاری فکری کمتر، نتیجه‌ی مطلوب و ارزنده‌ای به دست آید.

مؤلف حقیر در طول چند سال تدریس حفظ قرآن سعی کرده است در کلاسهایی که به تدریس حفظ قرآن مشغول بوده است، همواره از برنامه‌های درسی متفاوتی استفاده کند تا هر برنامه‌ای که روش موفق‌تری دارد برای قرآن‌آموزان انتخاب نماید. حتی روشی را که خود حفظ کرده مطلوب ندانسته و سعی نموده است با مشورت و نظرخواهی از اساتید مختلف و حافظان محترم، روش اصولی‌تری را به اجرا در آورد. روشی را که در ذیل مفصلاً آن را شرح خواهد داد، اندک تجربه‌ای است که در مدت تدریس برای خود اندوخته و آن را برنامه‌ی موفق‌تری پنداشته و این روش را گرچه خالی از کمبود نیست، هم برای افرادی که به صورت دسته‌جمعی و تمام وقت (شبانه‌روزی) و نیز برای کسانی که به صورت انفرادی و یا پاره‌وقت مبادرت به حفظ قرآن نموده‌اند، پیشنهاد می‌کند.

۱ـ ریاض الصالحین، امام نووی، باب فضیلت خواندن قرآن.

این روش دارای مراحل حفظ، سبقی و مرور آیات گذشته است که هر مرحله را در بخشهای بعدی به طور مفصل شرح خواهیم داد.

الف ـ مرحله‌ی حفظ

۱ـ برای شروع حفظ همان طور که در فصل هفتم (عوامل مؤثر در موفقیت حفظ قرآن) بیان کردیم، از جزء سی‌ام قرآن شروع نمایید. بعد از آن به دلخواه می‌توانید یا از اول قرآن شروع کرده و یا اینکه از همان آخر به ترتیب اجزاء حفظ نمایید.

۲ـ اگر قصد دارید که آیات را به شماره حفظ کنید، از همین ابتدا تصمیم‌تان را قطعی نمایید، زیرا همراه حفظ هر آیه، شماره‌ی آیه را نیز باید در ذهن خود بسپارید.

۳ـ در هنگام حفظ آیات هر سوره، متوجه باشید آیاتی را که دارید حفظ می‌کنید از کدام سوره است و بدین وسیله نام سوره با متن آیات پیوند خورده و همیشه با هم تداعی می‌شوند و اگر حفظ و مرور به صورت ترتیبی از اول قرآن شروع شود (البته پس از حفظ جزء سی‌ام) ترتیب سوره‌ها نیز در ذهن خواهد ماند.

۴ـ تصور کنید که یک صفحه‌ی قرآن با خط عثمان طه که دارای ۱۵ خط می‌باشد در جلو شما قرار دارد، ابتدا این صفحه را چند بار (هرچند که تشخیص می‌دهید غلط روخوانی ندارید ولی یک تصویر اجمالی از صفحه در ذهن‌تان رفته است) با دقت، همراه تجوید تلاوت نمایید.

تبصره: اگر در تجوید ضعیف هستید، برای رفع این نقص از نوارهای ترتیل که توسط استاد خلیل حصری یا استاد منشاوی تلاوت شده است استفاده نمایید که کمک شایانی به یادگیری شما می‌نماید.

ضمناً از روی نوار می‌توانید جاهای وقف و ابتدا را نیز در آیاتی که طولانی است بر روی صفحه‌ی قرآن خود مشخص نموده و علامت‌گذاری نمایید.

۵ـ از اول صفحه هر آیه را که کوتاه است چند بار بخوانید تا اینکه مطمئن شوید که حفظ نموده‌اید، سپس بدون نگاه کردن به قرآن و از حفظ، آیه‌ی مورد نظر را چند بار تکرار نمایید تا اطمینان کامل حاصل شود.

اما اگر آیه طولانی است، آن را به قسمتهای مختلف و هماهنگ که مطابق با محلهای وقف در آیه باشد تقسیم نمایید. هر قسمت را جداگانه همانند یک آیه‌ی کوتاه حفظ کرده و با قسمتهای دیگر آیه مرتبط سازید سپس کل قسمتهای یک آیه را از اول تا آخر آیه به اندازه‌ی کسب اطمینان بدون اینکه به قرآن نگاه کنید، تکرار نمایید. هرجایی که احساس نموده اشتباه می‌خوانید، تا حد امکان به ذهن خود فشار آورید اگر نتوانستید کلمه‌ی موردنظر را به ذهن خود آورید، به قرآن رجوع کرده و آن را به ذهن بسپارید.

تبصره: تا یک آیه را خوب حفظ نکرده‌اید، به‌سراغ آیه‌ی بعدی نروید.

۶ـ بعد از حفظ آیه‌ی اول، آیه‌ی دوم را طبق مرحله‌ی قبلی، دقیق و با تأنی حفظ نموده، آیه‌ی اول و دوم را چند بار از حفظ تکرار نمایید.

۷ـ در این مرحله به ترتیب مراحل قبل، تا وسط صفحه هرچند آیه که شد حفظ کرده و با همان روش برای متصل کردن آیات به یکدیگر، تکرار دسته‌جمعی آیات را حتماً انجام دهید.

۸ـ به وسط صفحه که رسیدید از اول تا وسط صفحه به اندازه‌ی اطمینان کامل تکرار خود را ادامه دهید.

۹ـ در مرحله‌ی بعدی، نصف دوم صفحه را تا انتهای صفحه، طبق مراحل قبلی حفظ کرده و خوب تکرار نمایید سپس از اول صفحه تا انتهای صفحه بدون نگاه کردن به قرآن تکرار نمایید تا کاملاً بر حفظ صفحه مسلط شوید.

۱۰ـ اکنون شما یک صفحه‌ی ۱۵ خطی از قرآن را حفظ هستید و اگر فرصت داشته و توانایی دارید، می‌توانید به همین صورت یک صفحه‌ی دیگر را نیز حفظ نموده و هر دو صفحه را با هم تکرار نمایید و برای اطمینان از صحت خود می‌توانید از یک نفر بخواهید که محفوظات شما را گوش داده و احیاناً اگر اشتباهی را مرتکب شدید، تذکر دهد.

توجه: در ابتدای حفظ سعی نمایید به حفظ یک صفحه و نهایتاً دو صفحه بسنده کرده و در حفظ زیاد آیات در یک روز حریص نباشید. به موازات پیشرفت در کار حفظ به تدریج مطابق با وقت و فرصتی که دارید و با عنایت به کشش ذهن و استعداد خودتان می‌توانید بر مقدار حفظ خود بیفزایید.

ب ـ مرحله‌ی سبقی[۱]

۱ـ این مرحله همان طور که از اسمش پیداست، خواندن سبق است یعنی: مرور و تکرار محفوظات چند روز قبل که تازه حفظ نموده‌اید.

۲ـ برای کسب اطمینان از تثبیت محفوظات و استقرار آنها در درون حافظه، توصیه می‌شود هر روز بعد از حفظ آیات جدید، آیاتی را که از

۱ـ سبق در لغت به معنی آن مقداری از کتاب است که همه روزه آموخته شود و اینجا منظور مقداری است که قبلاً آموخته شده و باید همه روز تکرار شود.

سه روز قبل حفظ نموده دوباره تکرار کنید، تا بدین صورت یک بازنگری بر محفوظات جدید نموده و عمیقاً در حافظه‌تان ثبت و ضبط گردد.

تذکر ۱: به خاطر داشته باشید که این مرحله را همه روزه باید انجام داد.

تذکر ۲: در هنگام آماده کردن سبقی اگر احساس کردید محفوظات چند روز قبل را فراموش کرده یا زیاد با اشکال برخورد می‌نمایید روز بعد از حفظ آیات جدید پرهیز نموده و به ترمیم سبقی اهتمام ورزید.

ج ـ مرحله‌ی دوره

بعد از آنکه سه جزء از قرآن را حفظ نمودید، روزانه برای مرور همه‌ی محفوظات خود شاید با کمبود وقت مواجه گردید؛ بنابراین از این به بعد که بر محفوظات شما افزوده می‌گردد، برای مرور آیاتی که از حفظ آنها مدتی سپری شده است، به یک برنامه‌ی دوره‌خوانی نیاز دارید.

۱ـ برای این مرحله باید وقت جداگانه‌ای بگذارید تا حداقل روزانه یک جزء را به طور صحیح و کامل از حفظ تکرار نمایید، ترتیب اجزاء را نیز رعایت کرده و محفوظات خود را به صورت دوره‌ای تکرار نمایید.

۲ـ در هنگام مرور آیات حتی‌الامکان سعی کنید از روی قرآن نخوانید، زیرا در این صورت از حافظه‌ی خود نخواسته‌اید که محفوظاتش را ارایه دهد، بلکه می‌بایست قرآن را ببندید و با کمک‌گرفتن از حافظه‌ی خود به مرور آیات بپردازید.

۳ـ دوره کردن جزئی را که تازه حفظ نموده‌اید، در اولویت قرار دهید.

تبصره: تا وقتی که یک جزء را تا آخر حفظ نکرده‌اید وارد جزء بعدی نشوید، مگر اینکه اجزاء قبلی را به صورت کامل با تسلط از حفظ بخوانید.

۴ـ برای همه‌ی حفاظ قرآن کریم جا افتاده است که نگه داشتن محفوظات از حفظ اولیه سخت‌تر است؛ بنابراین از همان اوایل دوران حفظ به مرور و تکرار دقیق محفوظات اهمیت بیشتری قائل شوید و اگر در طول روز یا در خلال برنامه‌ی روزانه‌ی خود، فراغت بیشتری حاصل نمودید به این مرحله اختصاص دهید.

۵ـ بعد از هر پنج جز، برای اطمینان از صحت محفوظات و تضمین بیشتر، یک دوره‌ی تکمیلی را اجرا نمایید. انجامِ این برنامه را همچنان تا انتهای حفظ قرآن مدّ نظر داشته باشید.

۶ـ بعد از حفظ کل کلام پاک پروردگار، شیرینی و حلاوت این پیروزی و موفقیت را به وضوح خواهید چشید و حقیقتاً شما خود باید حافظ کل قرآن شوید تا احساسی را که یک حافظ قرآن دارد درک نمایید و این پیروزی و موفقیت چشم‌گیر برای شما خیلی مهم است، اما محافظت و نگهداری از این پیروزی بسیار مهم و مشکل است.

۷ـ آدمی معمولاً بعد از پایان هر کاری در هنگام دریافت پاداش و تسویه حساب، نفس راحتی کشیده و عملش را تمام شده تلقی می‌کند. حفظ قرآن نیز عملی است که تا هنگام تسویه حساب باید تلاش کرد و ادامه داد و پاداش دهنده‌ی این عمل، صاحب اصلی قرآن، پروردگار سبحان است که در جهان آخرت با حافظ قرآن به تسویه حساب خواهد پرداخت. لذا حفظ قرآن را باید با تکرار و مرور همیشگی و به قصد عبادت، جاودانه ساخت تا مصداق ﴿وَ اَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ اَلْيَقِينُ﴾[۱] باشد.

۱ـ حجر / ۹۹.

۸ـ بعد از حفظ کل قرآن ـ طبق مراحل فوق ـ در مرحله‌ی بعدی خود را موظف سازید که روزانه به طور مرتب سه جزء از قرآن را مرور نمایید. خاطرنشان می‌کنیم که این تکرار باید از حفظ باشد تا قوه‌ی حافظه تقویت شده و پایداری خود را حفظ نماید. اما گاهی اوقات نگاه کردن از روی قرآن برای تقویت حافظه‌ی دیداری و هماهنگ کردن ذهن و قوه‌ی بصری خالی از فایده نخواهد بود.

۹ـ به تجربه ثابت شده است، آیاتی که در نمازها تلاوت می‌شود، به دلیل تمرکز قابل ملاحظه‌ای که انسان در نماز دارد، بیشتر در حافظه مستقر می‌شوند، بنابراین توصیه می‌کنیم سعی کنید آن مقدار دوره‌ی خود را که باید روزانه تکرار نمایید، در نمازها باشد تا بدین‌وسیله تسلط بیشتری را در ارایه‌ی آیات کسب نمایید.

۱۰

حفظ آیات مشابه

در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که با قسمتهای دیگر مشابه‌اند. این تشابه دو حالت دارد. الف) آیاتی که کاملاً شبیه هم هستند، مانند آیه‌ی ﴿إِنَّ هَـٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً﴾ سوره‌ی مزمل آیه‌ی ۱۹ و سوره‌ی انسان آیه‌ی ۲۹. در این حالت مشکل چندانی احساس نمی‌شود و به راحتی با در نظر گرفتن اسم سوره می‌توان دنباله‌ی آیات را به ذهن آورد، زیرا هر سوره‌ای ریتم و آهنگ مخصوص به خود را دارد. اما آیاتی که در یک یا دو کلمه اختلاف دارند باعث بروز اشکالاتی در روند حفظ می‌شوند. به عنوان مثال در آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی مبارکه بقره آمده است: ﴿وَ ٱتَّقُوا يَوْماً لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَنْ نَفسٍ شَيْئاً وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ و لَا يُؤخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَاهُمْ يُنْصَرُونَ﴾. و باز هم در همان سوره آیه‌ی ۱۲۳ آمده است: ﴿وَ ٱتَّقُوا يَوْماً لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ و لَا هُمْ يُنْصَرُونَ﴾. و از این قبیل آیات نسبتاً مشابه بسیار وجود دارد. جهت رفع این مسأله و تمایز آیات مشابه موارد پیشنهادی زیر را می‌توان به اجراء گذاشت.

۱ـ تکرار و مرور آیات دارای تشابه را بیشتر از آیات دیگر مدّنظر قرار دهید که هیچ‌گونه شکی در آیه برایتان باقی نمانده و بتوانید به دلیل ممارست زیاد، با اطمینان کامل آیه‌ی مدّنظر را تلاوت کرده به طوری که با سایر آیات شبیه به آن اشتباه نشود. که البته این روش فشار بیشتری به حافظه وارد می‌آورد.

۲ـ رمزگذاری و کدبندی نیز در تشخیص آیات مشابه مؤثر است. هر شخصی بر اساس سلیقه‌ی خودش می‌تواند برای تشخیص آیات مشابه آنها را کدبندی کرده و برای هر آیه، با توجه به آیات قبل و بعد آن رموزی را قرار دهد که برای خود شخص قابل فهم باشد، هرچند که این رموز ممکن است بی‌معنی باشد. مثلاً: در سوره‌ی مبارکه‌ی هود در آخر آیه‌ی ۱۱۱ آمده است: ﴿إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ و باز در همین صفحه در آخر آیه‌ی بعدی ﴿إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ آمده است که گاهی اوقات حافظ به شک افتاده و امکان جابجایی به وجود می‌آید.

اگر به‌ترتیب حرف‌اول هر کلمه‌را جداکنیم به‌ترتیب لغات «یخ» و «تب» به دست می‌آید که در عین‌طنز بودن باکمی دقت‌کردن باعث عدم اشتباه می‌شود. چون ابتدا کلمه‌ی «یخ» آمده است، پس ابتدا آیه‌ی ﴿بما یعملون خبیر﴾ است و سپس کلمه‌ی تب آمده است، بنابراین ﴿بما تعملون بصیر﴾ در آیه‌ی بعدی باید تلاوت شود و همچنین بسیاری از این قراردادها و رمزگذاریها که افراد خوش ذوق می‌توانند جهت مرتفع ساختن شک و تردید در تلاوت آیات مشابه، این رموز قراردادی را برای خود تعیین نمایند.

۳ـ شیوه‌ی بعدی روش نوشتن و یادداشت کردن آیات مشابه است. بدین صورت که حافظ قرآن آیاتی را که تشابه دارند جداگانه در یک دفترچه یادداشت نماید.

این دسته از آیات توجه بیشتری را می‌طلبد، لذا شما مـی‌توانـید بـا استفاده از کتاب «**معجم المفهرس**» که غالب آیات مشابه را تحت یک لغت مشترک میان آنها گردآوری نموده، این‌گونه آیات را یافته و با هم مقایسه کنید، سپس مسائل مشترک آنان را که در ارایه‌ی حفظ بهتر کمک مؤثری می‌باشند، بیابید.

بانگ قرآن

خوشا بانگ قرآن و آهنگ قرآن — که جان و روان را کند شادمان
سراسر همه حکم پروردگار — از او زنده راه و ره روزگار
همه حکم او را پذیرنده‌ایم — خدا را ز جان و ز دل بنده‌ایم
جهان را نماید بهشت برین — کلام خداوند جان آفرین
دلش روشن از نور ایمان بود — هر آنکس که حامی قرآن بود
چو قرآن نباشد تن من مباد — بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

۱۱

نگهداری محفوظات

نگهداری و محافظت از آیات حفظ شده اصلی‌ترین کار یک حافظ قرآن است. تکرار منظم و دقیق، مداومت در تکرار محفوظات باید اولین و اساسی‌ترین کار در برنامه‌ی حفظ باشد وگرنه حفظ تنها بدون‌تکرار و مراجعه چه در مورد قرآن و یا هر مطلب‌دیگری کاری بدون ثبات است. ثبت و ضبط در حافظه احتیاج به‌تکرار و تمرین و ممارست دارد، آن هم برنامه‌ریزی شده و دقیق که همراه با صبر و استعانت از بارگاه باریتعالی باشد. که اگر در این کار کاهلی‌پیش آید نتیجه‌ی‌مطلوب‌را به‌دست نخواهیم‌آورد، علی‌الخصوص حفظ قرآن که در روایات اسلامی بر مواظبت آن تأکید فراوانی شده است.

صاحب این معجزه‌ی عظیم که درود خدا و سلامش بر او باد یک مثال ظریفی در این رابطه بیان نموده و می‌فرماید: «مَثَل حافظ قرآن مَثَل شتر زانوبند زده‌ای است که اگر صاحبش بر او اهتمام کند او را نگه می‌دارد و اگر رهایش کند می‌رود».(۱) و در جایی دیگر که ابوموسی ﷺ روایت کرده:

۱ـ ریاض الصالحین، امام نووی، باب امر بر محافظت بر قرآن، ص ۶۱۵.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«تَعاهَدُوا هَذَا القرآنَ فَوالّذی نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِیَدِهِ لَهُوَ أشدُّ تَفَلُّتاً مِنَ الابِلِ فی عُقُلِها»(۱)

«مواظبت کنید بر این قرآن پس سوگند به ذاتی که جان محمد در دست اوست، قرآن زودتر می‌گریزد (از اذهان) تا شتر در زانوبند آن».

بنابراین تکرار و ممارست همانند غذا خوردن اهمیت دارد که اگر شخصی اعتصاب کرده و چیزی نخورد به مرور زمان لاغر و نحیف شده و نهایتاً هلاک می‌شود.

علاوه بر اینها از همان اوایل شروع حفظ باید با تأمل و دقت و بدون عجله حفظ کرد. این طرز فکر که اول سریع حفظ کرده و سپس در مرحله‌ی روخوانی و تکرار، اشتباهات را برطرف کنیم، برنامه‌ای اشتباه و مشکل‌ساز است. زود حفظ کردن هنر نیست بلکه دقیق و بدون اشتباه مهم است اگرچه مدت زمان بیشتری به طول بیانجامد.

لذا باید متذکر شویم که اگر هدف حفظ کردن قرآن باشد این عمل در یک ماه یا یک سال صورت نمی‌گیرد حال هرچند به صورت ضعیف انجام شود و آن را رها کرده و بعد بگوییم که قرآن را حفظ کرده‌ایم، بلکه قرآن کریم را حفظ کرده و در سینه‌هایمان به ودیعه بسپاریم تا در تمام عمر و در فراز و نشیب زندگی با عمل به دستورات آن فیض برده، بهره‌مند گردیم. اگر قرار است آیات کلام وحی در حافظه‌ی ما برای ابد بماند و از فضایل انبوه معنوی حفظ آن برخوردار گردیم به یک حفظ عمیق، مستحکم و طبق اصول و اسلوب صحیح نیازمندیم و این ممکن نیست

۱ـ همان منبع.

مگر با صبر و استقامت و دقت بسیار زیاد در حفظ قرآن. خدای متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی نجم آنچه راکه نصیب انسان می‌شود حاصل تلاش خود انسان معرفی نموده و می‌فرماید:

﴿وَ أَن لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ* وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ* ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَآءَ الْأَوْفَىٰ* وَ أَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ﴾[1]

«برای انسان چیزی جز تلاش او نیست و کوشش و همت او به‌زودی دیده خواهد شد سپس هرچه تمام‌تر وی را پاداش دهند و پایان به سوی پروردگار توست».

بنابراین باید دقت داشته باشیم برای اینکه بتوانیم محفوظاتمان را برای همیشه نگهداری نماییم در مرحله‌ی اول، صحیح و درست حفظ کردن مدّ نظرمان باشد که احتیاج به صبر و حوصله دارد و برای اضافه کردن محفوظات تازه نباید عجله کرد؛ زیرا تثبیت و محکم کردن محفوظات قبلی به زمان احتیاج دارد. اضافه کردن آیات جدید به محفوظات گذشته، بدون برنامه و نظم خاص خود ثبات آنها را مختل می‌کند.

افزودن آیات جدید برای حافظ لذت خاصی دارد و حفاظ به حفظ بیشتر علاقه‌ی فراوانی از خود نشان می‌دهند. مثلاً اگر امروز دو صفحه حفظ کرد دوست دارد فردا دو صفحه و نیم حفظ نماید، این علاقه و همت قابل تحسین است اما باید به صورت کلاسیک و به تدریج مقدار حفظ خود را بالا برد.

مرحله‌ی بعدی در نگهداری محفوظات استمرار و نظم در تکرار و مرور محفوظات گذشته است. فردی که بالای پنج جزء قرآن حفظ کرده است، باید خود را ملزم نماید که هر روز طبق برنامه‌ی منظم مقدار معینی

۱ـ نجم / ۴۲ - ۳۹.

از قرآن (محفوظات قبلی) که بهتر است دو جزء باشد، تمرین و یادسپاری نماید و این برنامه را هر روز باید به ترتیب اجزایی که حفظ نموده انجام دهد. حتی اگر بعضی مواقع فرصت حفظ درس جدید پیدا نکرد، مرور و تکرار نباید به تعویق بیافتد. تا اینکه حفظ کامل را به اتمام رساند که بعد از آن برای مرور و تکرار روزانه‌ای خود باید برنامه‌ریزی کرده و مقدار اجزایی را که باید تکرار نماید تعیین کند و می‌بایست تا زمانی‌که خوب تسلط پیدا نکرده از مشغولیتهای روزانه‌ی خود کاسته و صرف تکرار و ممارست قرآن نماید تا در این فیض الهی که نصیب او شده است، کوتاه ننموده و یا خدای نکرده به فراموشی نسپارد.

در صدر اسلام صحابه‌ی پیامبر خدا ﷺ با اینکه تسلط کامل در حفظ قرآن داشتند از آنجا که با قرآن انس گرفته و خواندن قرآن جزء ضروریات روزمره‌ی آنان شده بود، باز هم می‌بینیم که همیشه در نگهداری و تکرار و مرور آیات قرآن ممارست نموده و اهتمام فراوان می‌ورزیدند و حداکثر هفته‌ای یک بار قرآن را ختم می‌نمودند.

در عهد رسول الله ﷺ قرآن به ترتیب زیر به هفت بخش تقسیم شد:[۱]

بخش نخست: بقره و آل عمران و نساء.

بخش دوم: از مائده تا توبه.

بخش سوم: از یونس تا نحل.

بخش چهارم: از اسراء تا فرقان.

بخش پنجم: از شعراء تا یسٓ.

۱ـ به نقل از کتاب تجوید آسان، ص ۹۴۱.

بخش ششم: از صآفات تا حجرات.

و بخش هفتم: از ق تا آخر.

مسلم است که اگر حافظ قرآن روزانه یک بخش را تکرار نماید و هفته‌ای یکبار قرآن را از اول تا آخر ختم نماید و در نمازهای تهجد و سنتها و نوافل، در صبح و شنام زبانش را با تلاوت آیات تر نگهدارد و در محافت از امانت الهی اهتمام ورزد هیچ‌گاه فراموش نکرده و دچار مشکل نخواهد شد.

۱۲

روش تدریس حفظ قرآن

روش تدریس حفظ قرآن نیز همانند شیوه‌ی حفظ در مراکز مختلف تحفیظ قرآن، گونه‌ها و روشهای مختلفی دارد و اساتید محترم بر اساس ذوق و سلیقه و تجربیات خود، روشهای متفاوتی را به کار می‌برند. اما آنچه که نقطه‌ی عطف و وجه مشترک در تدریس حفظ قرآن به حساب می‌آید، دادن برنامه‌ی درسی، راهنمایی قرآن پژوهان برای بهتر حفظ کردن و برطرف کردن اشکالات و اشتباهات ایشان است.

در اینجا به چند نکته از مواردی که رعایت آنها در پیشبرد اهداف کلاس‌داری مثمرِ ثمر بوده و در واقع کلیدهای پیشرفت در امر تدریس حفظ قرآن محسوب می‌شود مختصراً اشاره می‌نماییم.

۱ـ تهیه و تنظیم یک دفتر حضور و غیاب و یا به عبارتی دفتر کلاسی برای حضور و غیاب شاگردان و همچنین ثبت و ضبط فعالیتهای روزانه‌ی آنها، به این صورت هم به کلاس یک جنبه‌ی رسمی بخشیده و هم اینکه چگونگی پیشرفت قرآن پژوهان را به مرور زمان می‌توان بررسی نمود.

۲ـ استاد کلاس باید با استفاده از تجربیات خود و همچنین با در نظر گرفتن وضعیت روحی و توانایی ذهنی متعلمین یک برنامه‌ی درسی که شامل ساعات حفظ و زمان تحویل درس و همچنین ساعاتی که باید به تکرار و مرور محفوظات قبلی پرداخت را تدوین نموده، از قرآن‌پژوهان بخواهد که به صورت منظم و طبق برنامه‌ی داده شده عمل نمایند.

۳ـ استاد یا مربی طبق برنامه‌ای که قبلاً مشخص و تدوین نموده است، در آن ساعتی که باید شاگردان محفوظات جدید خود را تحویل نمایند، در کلاس حضور یافته و حتی‌الامکان سعی کند در ساعات مقرر درس و سبقی را تحویل گرفته و برای رفع اشکالات، نکات لازم و سایر مطالبی را که نیاز است یادآوری نموده و کیفیت درس و سبق خوانده شده را در دفتر کلاسی ثبت نماید.

۴ـ برنامه‌ی دورخوانی و تکرار محفوظات قبلی بهتر است که توسط خود شاگردان تحویل گرفته شود. بدین صورت که به تشخیص مربی افراد دوبه‌دو (آنهایی که مقدار حفظشان به هم نزدیک است) دوره‌ای را که تعیین شده است هر کدام به نوبت تحویل دیگری نموده و کیفیت دوره‌ی خود را (خوب، متوسط و ضعیف) به اطلاع استاد رسانده تا در دفتر ثبت شود.

۵ـ در کلاس حفظ افراد مختلف با استعدادهایی متفاوت حضور دارند. روشن است که همه‌ی اعضاء کلاس در یک سطح ذهنی نبوده و قدرت حافظه‌ها مختلف است. لذا با توجه به این مسأله، این وظیفه‌ی استاد است که استعدادها را تشخیص داده و از هر کدام به اندازه‌ی توانش انتظار پیشرفت داشته باشد و بهتر است که در مقدار حفظ محدودیتی ایجاد نگردد تا بدین وسیله آنهایی که توانایی بیشتری دارند بتوانند از استعداد و توانایی خود استفاده نمایند.

۶ـ ممکن است احساس شود شخصی از اعضای کلاس کم کاری کرده و با وجود مستعد بودن، علاقه‌ای به حفظ کردن نشان ندهد و یا به نحو حسن از تواناییهای خود استفاده نبرد. این وظیفه‌ی استاد است که از او دلجویی کرده و علت کم‌کاری‌اش را بیابد و به او در حل مشکلش یاری رساند.

۷ـ فراموش نشود که گهگاهی در میان نوجوانان و جوانان مستعد نوابغی وجود دارند که خودشان، از استعداد سرشار خود بی‌خبر بوده و اهمیتی به این مسأله نمی‌دهند. لذا باید چنین افرادی را گلچین کرده و با یک برنامه‌ی ویژه در شکوفا کردن استعدادشان آنها را کمک و راهنمایی نماییم.

۸ـ علاقه‌مند نمودن مضاعف برای حفظ و ایجاد انگیزه‌ی صحیح و دادن راه‌کارهای ترقی و پیشرفت بر عهده‌ی استاد است. بیان فضایل حفظ و هرچند وقت یکبار، توصیه و صحبت کردن برای همه‌ی حفاظ و تشویق و ترغیب هرچند به صورت لفظی در همه‌ی افراد مؤثر خواهد بود.

۱۳

فواید شرکت در کلاسهای حفظ

برای حفظ قرآن کریم حضور در کلاسهایی که به هیمن منظور دایر شده است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. البته این بدان معنی نیست که نمی‌توان به تنهایی و بدون شرکت در کلاسها، قرآن را حفظ نمود؛ بلکه با پیدا کردن یک نفر مستمع باعث حصول اطمینان از صحت حفظ می‌شود؛ هرچند این شخص خود به حفظ نپرداخته و تنها روخوانی قرآن را بداند، اما شرکت در کلاسهای حفظ قرآن آن هم به صورت شبانه‌روزی که فرد از ابتدا تا انتهاء شب و روز در خدمت قرآن و زیر نظر استاد باشد، علاوه بر اطمینان از سلامت محفوظات، تشویق یکدیگر، تلقین به استمرار کار، ایجاد علاقه‌ی بیشتر به حفظ، جو رقابتی حاکم در کلاس، تلقین‌پذیری و سرایت فکری افراد در یکدیگر و استفاده از تجربیات همکلاسی‌ها برای پیشبرد اهداف بسیار مؤثر می‌باشد.

مهم‌تر از همه، استاد کلاس است. داشتن استادی که خود حافظ قرآن است، علاوه بر نشان دادن راه به پویندگان طریق حفظ و همچنین انتقال تجربیات و تقویت انگیزه و دلگرم نمودن قرآن پژوهان بر استمرار

راهی که برگزیده‌اند، خود استاد مشوقی است که قرآن‌آموزان استاد را الگوی خود در زمینه‌ی حفظ قرار می‌دهند.

یکی دیگر از فواید شرکت در کلاسها این است که فرد خود را در انجام وظایف به صورت منظم و همیشگی ملزم می‌نماید. چه بسا افرادی که تصمیم به حفظ قرآن گرفته اما پس از مدتی دلسرد شده و به صورت فردی نتوانسته‌اند طریق حفظ را ادامه داده و رها نموده‌اند یا اینکه مسائل حاشیه‌ای برنامه‌ریزی آنها را مختلف نموده و بسیاری اوقات نمی‌توانستند برنامه‌ای ثابت و مدت‌دار برای خود داشته باشند.

جدای از همه‌ی این تفاصیل و گفته‌ها، اجتماع بر کتاب خدا، فضیلت گردآمدن برای قرائت قرآن و شرکت در جلسات قرآنی و محافلی که به یاد خدا و تلاوت قرآن بگذرد، فضایل معنوی و بعضاً برکات دنیوی بیشماری دارد که بازتاب این نورانیت و سکینه و آرامش روحی را می‌توان به وضوح در زندگی خود مشاهده کرد.

از حضرت ابوهریره[۱] روایت شده است که رسول الله ﷺ فرمود: «و گرد نمی‌آید گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا که می‌خوانند کتاب خدا را و آن را در میانشان مذاکره می‌کنند مگر اینکه بر آنها سکینه و آرامش نازل شده و رحمت عام شامل حالشان گشته و فرشتگان بر آنها احاطه نموده و خداوند متعال آنها را به فرشتگان که در نزد اویند یاد می‌کند».[۲]

آسمان رشک برد بهر زمینی که در رو یک دو کس، یک دو نفس بهر خدا بنشینند

۱- ابوهریره که نامش عبدالرحمن بن صخر گفته‌شده‌است، از اصحاب نزدیک رسول‌الله ﷺ و از اهل «صفه» بوده که در حدود ۵۳۷۴ حدیث از رسول خدا ﷺ روایت کرده است.

۲- ریاض الصالحین، امام نووی، ترجمه فارسی، ص ۶۲۵.

۱۴

تجوید قرآن

علم تجوید از علومی‌است که هر فرد مسلمان باید بدان‌اهمیت دهد و یاد بگیرد، چون به قرائت قرآن که عبادتی مطلوب است بستگی دارد. علم تجوید علمی‌است که باعث صیانت حروف‌وکلمات از دست‌خوردگی و بیان نادرست آنان می‌گردد که اگر آن را تنها در رابطه با قرآن بدانیم، می‌توان گفت که رعایت قواعد تجویدی، یگانه راهی است که می‌تواند انسان را به قرائت صحیح و شبیه به هنگام نزولش، و شکل اولیه و اصلی خواندن آن نزدیک گرداند.

در کتاب قواعد تجوید هدف از علم تجوید این‌گونه شرح داده شده است: «هدف از علم تجوید، استواری قرائت است، به اینکه حروف از مخرج حقیقی، و با احکام و صفات کامل خود، بدون کم و زیاد و تکلف تلفظ شود؛ تا قاری، قرآن را به روش نبوی و به فصیح‌ترین لهجه‌ی عربی که بدان نازل شده است، بخواند».[۱]

۱ـ قواعد تجوید، تألیف عبدالعزیز عبدالفتاح قاری و ترجمه‌ی شیخ عبدالکریم محمد، ص ۵۱. کتابی است جامع در یادگیری علم تجوید که ترجمه‌ی فارسی آن نیز در دسترس همگان می‌باشد.

برای تجوید می‌توان سه بخش اصلی و مهم تعیین نمود که قاری یا حافظ قرآن می‌بایست به طور کامل این سه بخش را بیاموزد:

۱ـ مخارج حروف

مخارج جمع مخرج است و منظور از آن جایگاههای مختلفی از دستگاه تکلم است که مجموعاً ۲۸ حرف عربی از آنجا خارج و اداء می‌گردند؛ که این دستگاه شامل: جوف (فضای باز سینه تا دهان) حلق، زبان، لب و خیشوم (فضای بینی) می‌باشد.

۲ـ صفات حروف

مقصود حالتهای مختلفی است که حروف گوناگون به صورت انفرادی و بدون آنکه در بین کلمات و در کنار حروف دیگر قرار گیرند را دارا می‌باشند و عبارتند از: صفات اصلی و صفات فرعی.

ـ **صفات اصلی عبارتند از:** آشکار و همس، شدت و رخاوت، استعلاء و استفال، انطباق و انفتاح، اصحات و ازلاق.

ـ **صفات فرعی عبارتند از:** قلقله، صفیر، تفشی، انحراف، لین، تکریر، استطاله و...

۳ـ احکام حروف

عبارت است از حالتهایی که حرف در ترکیب با حروف دیگر در کلمات یا به خاطر داشتن حرکات گوناگون پیدا می‌کند و این احکام از صفات لازمه‌ی حروف به وجود می‌آیند.

- **مشهورترین احکام عبارتند از:** احکام نون و تنوین (ادغام، اخفاء، اظهار و قلب)

احکام را: (تفخیم، ترقیق، روم و اشمام)
احکام لام: (تفخیم و ترقیق، اظهار و ادغام)
احکام میم: (اخفاء، اظهار و ادغام) و...

وقف و ابتدا

از جمله علومی که تمامی افرادی که با قرآن آشنا بوده‌اند، از ابتدای نزولش تاکنون، حال چه قاری بوده چه حافظ قرآن و چه خطیب و مفسر ـدر وسع کارشان ـ علم وقف و ابتدا است. یادگیری و رعایت این علم، بر همه و خصوصاً حافظان قرآن کریم و قاریان محترم واجب است، زیرا ممکن است یک وقف نا به جا در بین جملات و آیات قرآن و یا شروعی نامناسب از محلی در قرآن ـ به هنگام تلاوت ـ ایجاد کلامی شرک‌آمیز و کفرگونه کند و شنونده را در مسائل اعتقادی یا احکامی به شک و اشتباه انداخته و ایجاد شبهه نماید.

انواع وقف و ابتدا عبارتند از: لازم ـ تام‌کافی ـ حسن ـ معانقه ـ قبیح‌و...

صوت و لحن

علم اصوات و الحان که همراه تجوید و وقف و ابتداء مکمل یکدیگرند برای ارایه‌ی یک ترتیل صحیح و مناسب، نیز دانشی است مجزا و خود به تنهایی دارای قوانین و قواعد زیادی می‌باشد، اما برخلاف تجوید و وقف و ابتدا که می‌توان به صورت تئوری بیان کرد، صوت و لحن یک امر شنیدنی و اکتسابی است که احتیاج به تمرین و ممارست دارد و از طریق القاء و دریافت، یعنی آموزش مستقیم استاد به شاگرد و همنشینی آن دو با هم آموخته می‌شود.

۱۵

برخی از آداب تلاوت قرآن (به روایت قرآن)

۱ـ تلاوت قرآن عبادت است و همانند نماز که ذکر و یاد خداست خواندن قرآن نیز ذکر خدا محسوب می‌شود و باید باخلوص نیت وکسب رضای خدا آغاز گردد: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي و نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾[۱].

۲ـ در مکانی مناسب، با لباسی پاک و تمیز و معطر و داشتن وضو و دهان و دندان مسواک شده، رو به قبله می‌نشینیم: ﴿لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾[۲].

۳ـ هنگام آغاز نمودن تلاوت قرآن مطابق امر پروردگار که می‌فرماید: «هنگامی که خواستی تلاوت قرآن را آغاز کنی از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده به خدا پناه ببر». أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ می‌گوییم: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾.[۳]

۱ـ انعام / ۱۶۲. ۲ـ واقعه / ۷۹.
۳ـ نحل / ۹۸.

۴ـ از آنجا که مقصود واقعی تلاوت کردن، تدبر و تفکر در آیات الهی است، باید کوشش نماییم با خضوع و خشوع تمام آیات قرآن را تدبر نموده و معانی و مقاصد آنها را دریابیم: ﴿کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَیْکَ مُبَارَکٌ لِیَدَّبَّرُوا آیَاتِهِ وَ لِیَتَذَکَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾[۱].

۵ـ فراموش ننماییم که تلاوت قرآن طبق فرمان خدای متعال باید به صورت ترتیل تحقق یابد و علی بن ابیطالب علیه السلام ترتیل را تجوید حروف و شناخت اماکن وقوف معرفی فرموده است و این ممکن نیست مگر با یادگیری قواعد تجوید و تلاش و کوشش فراوان برای کسب این مهم، تا بدین در خواندن آیات الهی حق تلاوت را ادا نموده باشیم: ﴿الَّذِینَ آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾.[۲]

۶ـ مستحب است به خاطر مبالغه در خشوع، هنگام قرائت خود را به گریه انداخت و عظمت خدای بزرگ را که قرآن کلام اوست به خاطر آورد و علاوه بر اینکه قلباً تحت تأثیر وعده و وعید و هشدار آیه‌ها قرار می‌گیریم، طبق فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله: «زَیِّنُوا الْقُرانَ بِأَصْوَاتِکُمْ»[۳] باید صدای خود را به قرآن خوش گردانیم و اگر خوش صدا نیستیم به اندازه‌ی توانایی و استطاعت ـ به شرط رعایت قواعد تجوید ـ در تلاوتمان خوش صدایی نماییم و خداوند بیش از توان مؤاخذه نخواهد نمود: ﴿لَا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا﴾[۴].

۷ـ هنگام تلاوت قرآن واجب است که نهایت سکوت را رعایت کرده و از مشغول شدن به چیز دیگری در اثنای قرائت خودداری نماییم:

۱ـ ص / ۲۹. ۲ـ بقره / ۱۲۱.
۳ـ اتقان، جلال الدین سیوطی، ج ۱، ص ۳۵۱.
۴ـ بقره / ۲۸۶.

﴿وَ إِذَا قُرِیءَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾(۱).

۸ـ هرکس قرآن بخواند و از مخالفت آن دوری گزیده و تا حد توانایی از دستوراتش پیروی نماید قرآن برای او رحمت و باعث شفاعت او خواهد بود، اما آن کس که قرآن را تلاوت نماید و مرتکب ممنوعات قرآن شود و از اوامر و دستورات آن سرپیچی کند، بر خود ظلم کرده که جز خسارت چیز دیگری برای او به بار نمی‌آورد:

﴿وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَاراً﴾.(۲)

۹ـ مستحب است قاری و حافظ قرآن هنگام ختم قرآن با خلوص نیت دعا کند و خویشان و نزدیکان خود را حاضر سازد تا در دعا کردن با او شرکت جویند، زیرا این وقت، از اوقات استجابت دعا و نزول رحمت پروردگار است: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ... وَ تُبْ عَلَيْنَآ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾.(۳)

۱ـ اعراف / ۲۰۴. ۲ـ اسراء / ۸۲.
۳ـ بقره / ۱۲۸ - ۱۲۷.

سخن قرآن

قرآن که پیام آسمانی است / روشنگر راه زندگانی است
گوید سخن از همه زمانها / اندرز دهد ز داستانها
گوید ز بهشت و از جهنم / و از اول و انتهای عالم
گوید که به راه حق بکوشیم / تا جام محبتش بنوشیم
گوید به عمل چگونه باشیم / تا بر دگران نمونه باشیم
گوید چه کنیم و چیست راهش / تا ما نشویم اهل آتش
یک راه بود نه راه دیگر / راهی که نشان دهد پیغمبر
یعنی به طریق عشق و ایمان / سنت نبود جدا ز قرآن
ماییم همه مطیع قرآن / هم حافظ و هم پاسدار قرآن

۱۶

فضایل تلاوت قرآن در احادیث
(به نقل از ریاض‌الصالحین، امام نووی)

۱ـ عن اَبی اُمامَةَ ﷺ قالَ: «سَمِعتُ رسُول اللّٰهِ ﷺ یقولُ: اِقْرَءُوا الْقُرآنَ فَاِنَّهُ یأْتی یَوْمَ الْقیامَةِ شَفیعاً لِأصْحَابِهِ» رواه مسلم.[۱]

«از ابوامامه ﷺ روایت شده که گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: قرآن را تلاوت کنید، زیرا قرآن در روز قیامت آمده و برای یارانش شفاعت می‌کند. مراد از یاران و رفقای قرآن کسانی هستند که قرآن را خوانده و بدان مشغول بوده و به اوامر و نواهی آن اهتمام ورزند».

۲ـ وَ عَنِ النَّوّاسِ بن سَمعانَ ﷺ قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ ﷺ یقول: «یُؤْتیٰ یَوْمَ الْقیامةِ بالقُرآنِ وَ أهْلِهِ الَّذینَ کَانُوا یَعْمَلونَ بهِ فی الدُّنیا تَقدُمُه سورَةُ البَقَرةِ وَ آل عمرانَ، تُحاجّانِ عن صاحِبِهِمَا» رواه مسلم.[۲]

«از نواس بن سمعان ﷺ روایت شده که گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: در روز قیامت قرآن و اهلش و کسانی که در دنیا به آن عمل می‌کردند آورده می‌شوند که در پیشاپیش‌شان سوره‌ی بقره و آل عمران قرار داشته و از طرف صاحب خویش حجت و برهان را می‌آورند».

۱ـ مسلم (۸۰۴).

۲ـ مسلم (۸۰۵) و اخرجه الترمذی (۲۸۸۶).

۳ـ و عن عثمان بنِ عفان رضي الله عنه قال: قالَ رسوُل اللّه صلى الله عليه وسلم: «خَيرُكُم مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرآنَ وَ عَلَّمَهُ» رواه البخاری.(۱)

از عثمان بن عفان رضي الله عنه روایت شده که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را آموخته و آن را به دیگران بیاموزد».

٤ـ و عن عائشةَ رضی‌الله‌عنها قالت: قالَ رسوُل اللّه صلى الله عليه وسلم قال: «الَّذي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَ هُوَ ماهِرٌ به مع السَّفَرَةِ الْكِرامِ الْبَرَرَةِ، وَ الّذى يقرَأُ الْقُرآنَ وَ يَتَتَعْتَعُ فيهِ وَ هُوَ عَلَيْهِ شاقٌّ لَهُ أَجْرانِ» متفق عليه.(۲)

«از عایشه رضی‌الله‌عنها روایت شده که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: کسی که قرآن را می‌خواند در حالی که بدان مهارت دارد همراه با ملائکه سفیر به سوی رسل عليهم السلام بزرگوار فرمانبردار است و آن که قرآن را می‌خواند و در خواندن آن تکلیف او وارد شده و بر او سخت است برای او دو اجر است».

۵ـ و عن عمربن الخطاب رضي الله عنه أنَّ النَّبيَّ صلى الله عليه وسلم قال: «إنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهذَا الكِتابِ أقواماً وَ يَضَعُ بِهَ آخرينَ» رواه مسلم.(۳)

«از عمربن الخطاب رضي الله عنه روایت است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: خداوند به وسیله‌ی این کتاب (قرآن) اقوامی را بالا می‌برد (آنانی که بدان ایمان آورده و عمل می‌کنند) و عده‌ای دیگر را بدان پست می‌کند (کسانی که ایمان ندارند و یا به آن عمل نمی‌کنند)».

٦ـ و عن أبِي موسى الأشْعَرى رضي الله عنه قالَ: قالَ رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: «مَثَلُ الْمؤمِنِ الَّذى يَقْرأُ الْقُرآنَ مثَلُ الاتُرجَّةِ: ريحُهَا طَيِّبٌ وَ طَعمُها طيّبٌ، وَمَثَلُ الْمؤمنِ الَّذى لا يَقْرَأُ الْقرآنَ كَمَثَلِ التّمرة: لا ريحَ لَها وَ طَعْمُها حُلْوٌ، وَمَثَلُ الْمُنافِقِ الَّذى يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الرَّيحانَةِ: ريحُها طَيِّبٌ وَ طَعْمُهَا

۱ـ البخاری ۶۶/۹، ۶۷ و اخرجه ابوداود (۱۴۵۲) و الترمذی (۲۹۰۹).

۲ـ البخاری ۵۳۲/۸، و مسلم (۷۹۸) و اللفظ لِلتِّرمذی (۲۹۰۴) و ابن ماجه (۳۷۷۶).

۳ـ مسلم (۸۱۷).

مُرٌّ، وَمَثَلُ الْمُنافِقِ الَّذِی لا یَقْرَأُ الْقُرآنَ کَمَثَلِ الْحَنْظَلَة: لیسَ لَها ریحٌ وَ طَعمُها مُرٌّ»(۱)

«از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: مَثَل مؤمنی که قرآن را تلاوت می‌کند مانند ترنجی است که بوی آن خوش است و طعم آن نیز شیرین، و مَثَل مؤمنی که قرآن را تلاوت نمی‌کند مانند خرما است که بویی ندارد ولی طعم آن شیرین است و مثل منافقی که قرآن را تلاوت می‌کند مانند ریحان است که بوی آن خوش است ولی طعم و مزه‌ی آن تلخ است و مثل منافقی که قرآن را تلاوت نمی‌کند مانند حنظل است که بویی ندارد و طعم آن هم تلخ است».

با توجه به احادیث زیادی که در مورد فضیلت قرائت قرآن کریم آمده باید متذکر شد که متأسفانه امروز چنان مردم ما در گیرودار مسائل دنیا قرار گرفته‌اند که خواندن قرآن و تفکر بدان از ذهن بسیاری از مردم گریخته که باید علمای کرام و داعیان مخلص در صحبت عامشان به خصوص در روزهای جمعه مردم را بدان متوجه سازند.

۷ـ و عنِ ابنِ عمرَ رضی الله عنه عن النَّبیِّ صلی الله علیه وسلم قال: «لا حَسَدَ اِلَّا فی اثنَتَین: رَجُلٌ آتاهُ اللهُ الْقُرآنَ، فَهُوَ یَقومُ بِهِ آناءَ اللَّیلِ و آناءَ النَّهارِ، وَ رَجُلٌ آتاهُ اللهُ مالاً، فَهُوَ یُنْفِقُهُ آناءَ اللَّیْلِ وَ آناءَ النَّهارِ» متفق علیه.(۲)

«از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: غبطه جز در دو چیز نیست: مردی که خداوند قرآن را به او داده است؛ یعنی حفظش را بر او آسان نموده، پس او در همه‌ی لحظات شب و روز به آن عمل می‌کند و مردی که خدا به او مالی داده و او آن را در همه‌ی لحظات شب و روز خرج و مصرف می‌کند».

۱ـ البخاری ۵۸/۹، و مسلم (۷۹۷) و اخرجه ابوداود (۴۸۲۹) و الترمذی، (۲۸۶۹) و النسائی ۱۲۴/۸، ۱۲۵.

۲ـ البخاری ۶۵/۹، و مسلم (۸۱۵).

۸ـ و عنِ ابن عباس رضی الله عنهما قال: قالَ رسولُ اللَّهِ ﷺ: «إنَّ الَّذی لَیسَ فِی جَوْفِهِ شَیْءٌ مَنَ الْقُرآنِ کالْبَیْتِ الخَرِبِ» رواه ترمذی.(۱)

«از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: آن که در دلش چیزی از قرآن نیست، مانند خانه‌ای ویران است».

۹ـ و عن البَرَاءِ بنِ عازب رضی الله عنه قالَ: کانَ رَجلٌ یَقْرَأُ سورَةَ کَهْفٍ، وَ عِنْدَهُ فَرَسٌ مربوطٌ شَطَنَیْنِ، فَتَغَشَّته سَحَابَةٌ فَجَعَلَت تَدنو، وَ جَعَل فَرَسَه یَنْفِرُ مِنها. فَلَمَّا أصبَحَ أَتَی النبیَّ ﷺ، فَذَکَرَ ذلِكَ لَهُ فقالَ: «تِلكَ السَّکینَةُ تَنَزَّلَتْ لِلْقُرآنِ» متفق علیه.(۲)

«از براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده که گفت: مردی بود که سوره‌ی کهف را می‌خواند و آن اسیر بن خصیر بود و درکنارش اسبی بود که به دو طناب بسته بود و ابری بر سرش آمده و شروع به نزدیک شدن نمود که اسبش از آن هراس می‌نمود چون صبح نمود خدمت پیامبر ﷺ آمده و این موضوع را به او گفت: آن حضرت ﷺ فرمود: آن آرامش است که به واسطه‌ی قرآن فرو آمده بود».

فضیلت تلاوت سوره‌ها و آیاتی خاص

۱ـ عن أبي سعید رافع بنِ المُعَلَّی رضی الله عنه قالَ: قالَ لِی رسولُ الله ﷺ: «أَلا أُعَلِّمُكَ أَعْظَمَ سُورَةٍ فی الْقُرآنِ قَبْلَ أَن تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟ فَأَخَذَ بِیَدِي، فَلَمَّا أَرَدْنَا أَنْ نَخْرُجَ قُلْتُ: یا رسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ قُلْتَ: لأُعَلِّمُنَّكَ أَعْظَم سُورةٍ فِي القُرآنِ؟ قالَ: «الحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ هِیَ السَّبْعُ المَثانی وَ القُرآنُ الْعَظِیمُ الَّذي أُوتیتُهُ» رواه البخاری.(۳)

۱ـ ترمذی (۲۹۱۴) و اخرجه جم (۱۹۴۷) و ک ۵۵۴/۱ و دی ۴۲۹/۲.

۲ـ البخاری ۵۲/۹ و مسلم (۷۹۵)، و اخرجه الترمذی (۲۸۸۷).

۳ـ البخاری ۱۱۹/۸، ۱۲۰ و اخرجه ابوداود (۱۴۵۸) و النسائی ۱۳۹/۲.

«از ابوسعید رافع بن معلی رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به من فرمود: آیا پیش از اینکه از مسجد بیرون آیی بزرگترین سوره از قرآن را به تو نیاموزم؟ پس دست مرا گرفت و چون خواستیم که بیرون آییم گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودی که بزرگترین سوره‌ی قرآن را به تو می‌آموزم؟ ـ فرمود: الحمد للّهِ رب العالمین آن ـ سمع مثانی و قرآن عظیمی است که به من داده شده است».

سبع مثانی گفته برای آنکه در هر نماز تکرار شود یا اینکه شامل ثنای حق و دعا می‌باشد.

۲ـ و عن ابی‌هریرة رضی الله عنه أَنَّ رسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم قال فی: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: «إِنَّها تَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ»(۱).

«از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره‌ی (قُل هُوَ اللهُ أَحَدٌ) فرمود: که آن با ۱/۳ قرآن برابری می‌کند».

۳ـ و عنه ایضاً أَنَّ رسولَ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم قالَ: «لا تَجْعَلوا بیوتَكُم مَقَابِرَ إِنَّ الشَّيْطانَ يَنْفِرُ مِنَ الْبيْتِ الَّذِی تُقْرَأُ فیه سُورَةُ البَقَرَةِ» رواه مسلم.(۲)

«از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: خانه‌های خود را گورستان نسازید؛ همانا شیطان از خانه‌ای که در آن سوره‌ی بقره خوانده شود می‌گریزد».

۴ـ و عن عُقْبَةَ بن عامر رضی الله عنه أَنَّ رسولَ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم قالَ: «أَلَمْ تَرَ آیاتٍ أُنْزِلَتْ هَـذِهِ اللَّيْلَةَ لَمْ يُرَمِثْلُهُنَّ قَطُّ؟ قل أعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» رواه مسلم.(۳)

«از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا ندیدی آیاتی را که این شب نازل شد که مثل آن هرگز دیده نشده است؟ قل أعوذُ بربِّ الفلق و قُل اعوذُ بربِّ النّاسِ».

۱ـ مسلم (۸۱۲).
۲ـ مسلم (۷۸۰) و أخرجه الترمذی (۲۸۸۰).
۳ـ مسلم (۸۱۴)، و اخرجه ابوداود (۱۴۶۲) و الترمذی (۲۹۰۴)، و النسائی ۱۵۸/۲.

۵ـ عَنْ ابی‌هریرة رضی الله عنه اَنَّ رَسُول اللَّه صلی الله علیه و سلم قالَ: «مِنَ القرآنِ سورةٌ ثَلاثُونَ آيَةً شَفَعَتْ لِرَجُلٍ حَتَّى غُفِرلَهُ، وَ هِيَ: تَبارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ المُلْكُ» رواه ابوداود و الترمذی و قال[۱]: حدیث حسن.

«از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: در قرآن سوره‌ای است که سی آیه دارد و برای مردی شفاعت نمود تا اینکه او آمرزیده شد؛ و آن (تبارک الذی بیده الملک) است».

۶ـ وَ عَن أُبَيِّ بن كَعب رضی الله عنه قالَ: قال رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم: «يا أبا المُنْذِرِ أَتَدْرى أَيُّ آيةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَعَكَ أَعْظَمُ؟ قُلْتُ اللّه لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الحَيُّ القَيُّومُ، فَضَرَبَ فی صَدْرى وَ قالَ: «لِيَهْنِكَ أَبَا المُنْذِرِ» رواه مسلم.[۲]

«از ابی بن کعب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: ای ابوالمنذر، آیا می‌دانی کدام آیه از کتاب الله که با تو است بزرگتر است؟ گفتم: الله لا اله الا هو الحی القیوم. سپس به سینه‌ام زد و فرمود: ای ابوالمنذر، علم برایت گوارا باد!».

۱ـ ابوداود (۱۴۰۰)، الترمذی (۲۸۹۳) و سنده حسن و صححه ابن حبان (۱۷۶۶) و الحاکم ۴۹۷/۲، ۴۹۸ و وافقه الذهبی، و له شاهد من حدیث انس عند الطبرانی و آخر من حدیث ابن عباس عند الترمذی (۲۸۹۲).

۲ـ مسلم (۸۱۰) و اخرجه ابوداود (۱۴۶۰).

مناجات

پروردگارا،

به درگاه تو پناه می‌آورم و تو نیز پناهم بخش تا موجودی آزمند و خویشتن دوست نباشم.

پروردگارا،

مگذار که صولت خشم، حصار بردباری مرا درهم بشکند و حمله‌ی حسد، قناعت فطرت مرا به خفت فرو کشاند.

پروردگارا،

از لجاج شهوت که همّتهای بلند را پست سازد و پرده‌ی عفاف و عصمت را چاک زند، به درگاه تو پناه می‌آورم.

پروردگارا،

از حمیّتهای جاهلانه و عصبیّتهای ناهنجار که حرمت انسانیت پاس ندارد، به ذات اقدس تو پناه می‌آورم.

پروردگارا،

روا مدار که به خاطر هوس خویش، پای بطلان بر عنوان حق گذارم و باطل را بر حق برگزینم.

پروردگارا،

مگذار دامان وجودم به پلیدیهای گناه بیالاید ومگذار که معصیتها را کوچک و نسبت به مناهی و ملاهی بی‌پروا باشم.

پروردگارا،

روا مدار که پنهان ما از پیدای ما ناستوده‌تر باشد و در ورای صورت آراستهٔ ما سیرتی زشت و ناهموار نهفته باشد.

پروردگارا،

به تو پناه می‌برم که از آنچه نمی‌دانم سخن بگویم و راه‌جویان را هم چون خویشتن در تیه‌ی گمراهی و ضلالت سرگردان سازم.

پروردگارا،

به تو پناه می‌برم که همچون فرومایگان از کار و کردار خویش راضی باشم و در برابر دیگران، گردن کشانه لب به خودستایی بگشایم.

پروردگارا،

به درگاه تو پناه می‌برم و از تو می‌خواهم که مرا پناه دهی و آتش نخوت و غرور به خرمن اعمال در نیندازی.

پروردگارا،

این عمل ناچیز را از این بنده‌ی بی‌چیز بپذیر و قلم عفو بر گناهانم بکش تا همچنان شرمنده درگاه تو باشم.